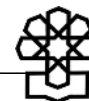


# بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۵	نگاه دین اسلام به اشتغال زنان
۸	بررسی قوانین و سیاست‌های تصویب شده در نظام جمهوری اسلامی
۱۶	بررسی شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی
۲۴	بررسی نظام آموزش رسمی
۲۵	بررسی نقش رسانه‌های جمعی
۲۸	آثار منفی افزایش اشتغال زنان و لزوم توجه سیاستگذاران به این مسائل
۳۳	زنان خانه‌دار، عنصر غایب در سیاستگذاری‌ها
۳۶	راهکارهای پیش روی دولت جهت تکریم زنان خانه‌دار
۳۹	نتیجه‌گیری
۴۱	منابع و مآخذ



## بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری

### چکیده

نقش سیاست دولت‌ها در جهت‌دهی تغییرات اجتماعی و اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که براساس شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی درصد اشتغال زنان در هر جامعه یکی از معیارهای مهم توسعه‌یافتگی است امروزه بسیاری از دولت‌ها افزایش حضور زنان در عرصه عمومی را در اولویت‌های برنامه‌ریزی‌های خود قرار داده‌اند. به عبارت دیگر دولت‌های مختلف با استفاده از سیاست‌های تشویقی و حمایتی سعی در افزایش آمار اشتغال زنان به‌ویژه در مشاغل مدیریتی دارند.

براساس آموزه‌های اسلامی آنچه در یک نظام اسلامی باید مورد توجه و تشویق قرار گیرد، فعالیت خانه‌داری است. در پاره‌ای از روایات، خانه‌داری زن هم پایه وظایف مهم مردان چون جهاد در راه خدا در نظر گرفته شده است. بنابراین نظام اسلامی موظف است به تشویق خانه‌داری و حمایت از زنان خانه‌دار بپردازد. ازسوی دیگر اشتغال زنان در هیچ یک از روایات ما نهی نشده و به علت گسترش اشتغال زنان، نظام اسلامی موظف است به منظور حفظ بنیان خانواده با اعمال سیاست‌های حمایتی مختلف از زنان شاغل و خانواده‌های آنان حمایت کند. به عبارت دیگر سیاست‌های نظام در رابطه با فعالیت خانه‌داری بایستی **تشویقی - حمایتی** و در رابطه با اشتغال زنان **صرفاً حمایتی** آن هم در راستای جلوگیری از آسیب به خانواده در نتیجه اشتغال زنان باشد. بررسی قوانین، سیاست‌ها، شاخص‌های توسعه، نظام آموزشی و رسانه‌ای کشور ما نشان می‌دهد آنچه در حال حاضر در رابطه با شاخص‌های مذکور ارزشمند شناخته می‌شود و مورد تشویق قرار می‌گیرد اشتغال زنان است. به عبارت دیگر حمایت از خانه‌داری و زنان خانه‌دار عنصر غایب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی کشور است.

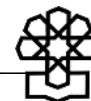
### مقدمه

تا پیش از انقلاب صنعتی خانواده به عنوان یک واحد تولیدی شناخته می‌شد که تمامی اعضای آن، در تولید اقتصادی نقش داشتند. عدم تفکیک محیط کار و خانه سبب می‌شد همه فعالیت‌هایی که اعضای خانواده انجام می‌دهند، امری تأثیرگذار در تولید و در نتیجه با ارزش تلقی شود. با

شکل‌گیری انقلاب صنعتی و جدایی محل کار از زندگی ارزش فعالیت‌های انجام گرفته در هریک از این دو محیط تغییر کرد. با شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری در اروپا، سود، بازار و کارفرما تبدیل به عناصر تعیین‌کننده این نظام شدند. این امر سبب تغییرات عمده‌ای شد: از یکسو در این نظام، ارزشمندی برپایه تعریفی مادی از انسان بدون توجه به اصول اخلاقی و براساس موقعیت اجتماعی و جایگاه وی در تولید ثروت و تبادل آزاد سرمایه تعریف شد، ازسوی دیگر در این نظام، اشتغال از فعالیتی که به‌منظور تهیه و تولید کالا و ارائه خدمات اقتصادی انجام می‌شد به فعالیتی که در زمان مشخص و منظم همراه با دریافت مزد در قبال ساعات کار معین تعریف می‌شود، تغییر مفهوم پیدا کرد.<sup>۱</sup> فاصله مکانی میان محل کار و زندگی از عناصر اصلی دیگر این تعریف جدید محسوب می‌شود. این روند و به‌خصوص به‌کارگیری واژه اشتغال صرفاً در فعالیتهای مزدوری این نتیجه را به همراه داشت که فعالیتهای بدون دستمزد (ازجمله فعالیت خانهداری و امور خیریه) گرچه با آثار اقتصادی همراه هستند نادیده گرفته و بی‌ارزش تلقی شوند. نتیجه چنین تغییر نگرشی به فعالیتهای خانهداری از یکسو تحقیر فعالیتهای خانگی در اذهان مردم به‌خصوص زنان و ازسوی دیگر افزایش میل زنان به حضور در فعالیتهای بیرون از منزل و مزدبگیری بود.

افزایش اشتغال زنان یک پدیده جهانی محسوب می‌شود و در تمامی دنیا شاهد افزایش نرخ اشتغال زنان هستیم. در جمهوری اسلامی ایران نیز چنین روندی قابل مشاهده است. این افزایش مسلماً از یکسو متأثر از شرایط جهانی و ازسوی دیگر ناشی از انقلاب اسلامی و فراهم شدن امکان بیشتر حضور زنان در جامعه است.

توزیع درصد جمعیت زنان ده‌ساله به بالا برحسب وضع فعالیت در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشان‌دهنده افزایش درصد جمعیت زنان شاغل و کاهش زنان خانه‌دار در طول این مدت است.



جدول ۱. توزیع درصد جمعیت زنان ده ساله به بالا برحسب  
وضع فعالیت در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵<sup>۱</sup>

وضع فعالیت	۱۳۷۵	۱۳۸۵
شاغل	۷/۹	۹/۵
بیکار	۱/۲	۲/۹
جمع فعال	۹/۱	۱۲/۴
محصل	۲۶/۶	۲۲/۴
خانه‌دار	۵۸/۴	۵۴/۶
دارای درآمد بدون کار	۱/۶	۳/۸
سایر	۳/۳	۵/۸
جمع غیرفعال	۸۹/۹	۸۶/۶
اظهار نشده	۱/۰	۱/۰
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد در طول این ده سال جمعیت زنان شاغل، ۲ درصد افزایش و جمعیت زنان خانه‌دار ۴ درصد کاهش داشته است. براساس آمارهای موجود در سال ۱۳۸۷ تعداد کل زنان کشور ۳۵ میلیون و ۲۳۳ هزار و ۵۷۹ نفر گزارش شده است. از این میان ۴ میلیون و ۵۸ هزار و ۲۰۲ نفر جمعیت فعال از نظر اقتصادی هستند. تعداد کل زنان شاغل در سال ۱۳۸۷، ۳ میلیون ۲۸۱ هزار و ۳۴۴ نفر گزارش شده است.

بخشی از این افزایش اشتغال زنان از روی اضطرار و نیاز اقتصادی خانواده است، اما بخش اعظم این افزایش، ناشی از تبدیل شدن اشتغال به یک ارزش اجتماعی و عاملی برای کسب سرمایه و اعتبار اجتماعی و تغییر نگرش به فعالیت خانه‌داری است.

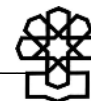
تغییرات اقتصادی (گسترش فقر و کاهش قدرت خرید)، تحولات اجتماعی و فرهنگی (افزایش آمار زنان تحصیلکرده، گسترش تکنولوژی و نقش آن در کاهش فعالیت‌های خانه‌داری، گسترش ساعات فراغت) و سیاست‌های دولت‌ها که عموماً در راستای تشویق اشتغال زنان متمرکز شده‌اند، سبب گسترش اشتغال زنان در این دوره گشته است. این درحالی است که اشتغال زنان علاوه بر تأثیر مثبتی که بر اوضاع اقتصادی خانواده و افزایش خودباوری و اعتماد به نفس آنها دارد سبب تعارضات متعددی برای زنان و خانواده‌های آنان نیز می‌شود.

نقش سیاست‌های دولت‌ها در افزایش اشتغال زنان و تغییر نگرش به خانه‌داری بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که افزایش آمار اشتغال زنان یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه اقتصادی و

۱. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵-۱۳۸۵ به نقل از کاظمی‌پور، ۱۳۸۸.

اجتماعی است بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با وضع سیاست‌های مختلف و تدوین قوانین تشویقی و حمایتی از اشتغال زنان، زمینه حضور هرچه بیشتر آنان در عرصه عمومی را فراهم کنند. به نظر می‌رسد تمرکز برنامه‌ریزان اجتماعی بر اشتغال زنان، ارزشگذاری و تبلیغ آن و تلاش جهت کاهش مشکلات زنان شاغل، سبب نادیده گرفتن و به فراموشی سپردن نقش خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار در بسیاری از کشورها شده است، چرا که براساس شاخص‌های کمی توسعه اقتصادی و انسانی این زنان نقشی در توسعه و رفاه کشور بازی نمی‌کنند. نگاه اقتصادمحور حاکم بر این شاخص‌ها سبب شده نقش زنان خانه‌دار در تولید ثروت که بر پاره برخی برآوردها معادل ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت تولید شده در جوامع توسعه یافته است<sup>۱</sup> نادیده گرفته شود. در چنین شرایطی تمرکز قوانین، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و رسانه‌ای بر افزایش اشتغال زنان و تبدیل آن به الگوی مطلوب جامعه قرار می‌گیرد. استفاده از الگوی تبعیض مثبت برای حضور زنان در جامعه و تصدی نقش‌های کلیدی به‌عنوان شاخص توسعه، از سیاست‌هایی است که در بسیاری از کشورها هم‌اکنون در حال اجراست. در چنین شرایطی زنان خانه‌دار فعالیت خود را مفید نمی‌بینند، زیرا از یکسو جامعه برای فعالیت‌هایی ارزش قائل است که همراه با دستمزد باشد (بدین ترتیب نقش آنان در توسعه اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود) ازسوی دیگر تمرکز قوانین، رسانه‌ها، نظام آموزشی بر زنان شاغل و مسائل پیش روی آنهاست، گویی زن خانه‌دار نه نیازی به آموزش مهارت‌های خاص و ارتقای آگاهی دارد نه مشکلاتی که قوانین از او حمایت کند. نتیجه چنین نگاهی افسردگی و عدم رضایت از زندگی در میان زنان خانه‌دار است. امری که علاوه بر تهدید سلامتی آنان بنیاد خانواده را نیز تهدید می‌کند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام دینی، سیاست‌ها و قوانین براساس آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های موجود در آن شکل می‌گیرند. در این نظام خانواده به‌عنوان بنیان جامعه در اولویت قرار دارد. همه برنامه‌ریزی‌ها و قوانین نیز باید در راستای حفظ این نهاد باشد. جهت‌گیری نظام اسلامی در رابطه با اشتغال زنان یا خانه‌داری آنها باید به نوع نگاه اسلام به هریک از این فعالیت‌ها بازگردد. به همین علت در ابتدا نگاه دین اسلام به اشتغال زنان و نوع سیاستی که نظام باید در این راستا در پیش گیرد مورد بحث قرار گرفته سپس به بررسی شاخص‌های توسعه، قوانین، نظام آموزشی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری پرداخته شده است تا دریابیم الگوی حاکم بر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور ما در رابطه با اشتغال و خانه‌داری زنان بر کدامیک از این دو فعالیت تأکید دارد؟ به عبارت دیگر باید



بررسی کرد آیا نظام قانونی کشور ما نیز همچون بسیاری از کشورها صرفاً به تشویق و حمایت از اشتغال زنان روی آورده یا آنچه مورد تشویق و حمایت قرار گرفته فعالیت خانه‌داری است. گزارش حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی جایگاه زنان شاغل و خانه‌دار در قوانین و سیاستگذاری‌ها، نظام آموزشی و کتب درسی، رسانه ملی و شاخص‌های توسعه به این سؤال پاسخ دهد.

### نگاه دین اسلام به اشتغال زنان

در دین اسلام آموزه‌های متعددی در زمینه تفکیک جنسیتی نقش‌ها وجود دارد. در متون متعدد زنان به ایفای نقش‌های خانگی و مردان به انجام دادن کارهای بیرون از خانه تشویق شده‌اند. در برخی از متون نان‌آوری، ارزشی مردانه و کارهای خانگی و پرورش فرزند نقشی ارزشمند و زنانه معرفی شده است.<sup>۱</sup>

البته حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا در دین اسلام هیچ‌گاه تحریم نشده است. براساس آیه «فاذا فرغت فانصب» تلاش و پویایی هر فرد مورد ستایش اسلام است و هر کس باید اعم از زن و مرد به انگیزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و یا شخصی به‌کار و فعالیت روی آورد، اما از آنجا که خانواده بنیان تمامی آموزه‌های اسلام است خود فرد و همچنین حکومت اسلامی باید تلاش کنند تا حضور زنان در عرصه عمومی آسیبی بر نهاد خانواده وارد نسازد.

در شرع اسلام به این نکته توجه شده است که گاه زنان برای تأمین اقتصادی خود یا خانواده نیازمند کسب درآمد هستند و گاه جامعه به فعالیت زنان در بعضی مشاغل خاص زنانه مثل مامایی نیازمند است. بنابراین اشتغال زنان امری مذبح نیست، اما شرایط فعلی اشتغال در جوامع به‌خصوص ساعات طولانی آن برای زنان سبب تعارض نقش‌های خانگی و مادری زنان به‌عنوان اولویت نقش زنانگی با اشتغال خارج از منزل گشته است. در نظام برنامه‌ریزی اسلام، مدیریت خانواده برعهده مرد است. مرد مکلف به تأمین مخارج خانواده و مصالح آن است، در چنین شرایطی تلاش زن در تأمین هزینه‌های خانواده در حالت عادی نه ارزشمند است و نه مطلوب. شاید یکی از دلایل عدم مطلوبیت آن، سلب مسئولیت از سرپرست خانواده باشد. در حکومت اسلامی قانونگذار نمی‌تواند اشتغال زنان را محدود سازد، زیرا در بسیاری از موارد اشتغال زنان یک ضرورت اقتصادی است (به‌خصوص در مورد زنان سرپرست خانوار)؛ اما از آنجا که در برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی، مصالح نوعیه (یعنی مصالحی که نفعشان به عموم مردم و جامعه می‌رسد) مقدم بر مصالح شخصی و فردی می‌باشد و یکی از این مصالح کلان، حمایت از بنیاد

خانواده است، قانونگذار در مواردی می‌تواند زمینه‌های اشتغال زنان را محدود سازد. مثل اصل یازده هزار و هفدهم حقوق مدنی که در آن شوهر می‌تواند همسر خود را از شغلی که مخالف مصالح خانوادگی، شأن خود و همسرش می‌بیند، منع کند.

در نظام اسلامی، به علت اهمیت خانواده، حکومت موظف است از یکسو بر فعالیت‌هایی که دین برای زنان ارزشمند می‌داند (خانه‌داری و مادری) در سیاستگذاری‌های خود تأکید کند و ازسوی دیگر به علت گسترش اشتغال زنان، قوانینی را در راستای حل تعارض اشتغال و مسئولیت‌های خانگی زنان وضع نماید مثل کار نیمه‌وقت بانوان، حمایت از مشاغل خانگی، انعطاف‌پذیر کردن ساعات کار بانوان شاغل، تا خانواده کمترین آسیب را از اشتغال زنان متحمل شود. شیوه سیاستگذاری‌ها در نظام باید به گونه‌ای باشد تا الگوی زن شاغل به عنوان زن مطلوب تبلیغ نشود. به عبارت دیگر جهت‌گیری سیاستگذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که اشتغال زنان تبدیل به عاملی جهت کسب اعتبار اجتماعی نشود.

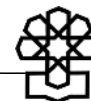
در توضیح این مسئله باید بین دو سیاست تشویقی و سیاست حمایتی در زمینه اشتغال زنان تفاوت قائل شد:

در سیاست‌های تشویقی، دولت‌ها با استفاده از تکنیک‌های مختلف به خصوص تبعیض مثبت و یا تبلیغ الگوی اشتغال زنان، به تشویق زنان جهت ورود به عرصه عمومی دست می‌زنند. در این سیاست، هدف ورود زنان به عرصه عمومی است نه کاهش تعارض اشتغال زنان با خانواده. کشورهای مختلف با استفاده از سیاست تبعیض مثبت در قالب سهمیه‌های اجباری و اختیاری برای زنان جهت ورود به عرصه عمومی و به خصوص مجلس از سیاست‌های تشویقی استفاده می‌کنند. به عنوان مثال بنابر گفته جانث دیویس در زمانی که فقط هفت درصد از زنان سوئد گفته بودند دوست دارند تمام وقت کار کنند و ۵۳ درصد از آنان مایل به کار بیرون از منزل نبودند سیاستمداران این کشور به نحوی القا کردند که در خانه ماندن زنان خیانت به دولت به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> این مسئله سبب افزایش اشتغال زنان در سوئد شد. در سوئد، فرانسه، آلمان و حتی پاکستان نیز برای افزایش تعداد زنان در پارلمان از سیاست‌های تبعیض مثبت استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> در سیاست تشویقی، الگوی مطلوب جامعه، اشتغال حداکثری است. به همین علت به تشویق و تبلیغ اشتغال زنان در جامعه و در تمامی سطوح می‌پردازند. تفکر غالب براساس این است که وقتی زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند چرا باید جامعه را از نتایج کار آنها محروم کرد؟ بنابراین اشتغال زنان نه تنها امری مطلوب بلکه ضروری است! در چنین شرایطی کار نکردن زنان به معنای عدم

۱. ویلیام گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹.

۲. اکرم باجلان، ۱۳۹۰.





توسعه‌یافتگی جامعه و هدر رفتن نیروی انسانی در خانه تلقی می‌شود. در جوامعی که از سیاست‌های تشویقی استفاده می‌کنند آنچه ایدئال تلقی می‌شود افزایش حضور زنان در مشاغل مدیریتی، حکومتی و تصمیم‌گیری‌های کلان است. حضور زنان در مشاغل کلیشه‌ای مثل معلمی و پرستاری امری طبیعی است و شاخص مناسبی برای توسعه محسوب نمی‌شود. (در این سیاست، هرچه حضور زنان در مشاغل بالادستی بیشتر باشد، جامعه توسعه‌یافته‌تر است و زنان در آن جامعه از وضعیت مطلوب‌تری برخوردارند).

بخشی دیگر از سیاست‌های دولت‌ها در زمینه اشتغال زنان، سیاست‌های حمایتی است. در این دیدگاه زنان به هر دلیلی که به اشتغال روی آورند، (نیاز اقتصادی، نیاز به خودشکوفایی، کسب اعتبار اجتماعی و...) به دلایل تجارب زیسته متفاوت با مردان (توان جسمانی کمتر، بارداری) نیازمند حمایت بیشتری در مقایسه با مردان هستند. به همین علت دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با وضع قوانین متفاوت حمایت بیشتری از زنان شاغل به‌کار داشته باشند. وجود مسئولیت‌های خانگی در کنار اشتغال (از آنجا که عمدتاً در اکثر جوامع مسئولیت تربیت فرزندان و خانه‌داری وظیفه زنان است) سبب مسئولیت بیشتر زنان شاغل و به‌تبع آن فشارهای کاری بیشتر می‌گردد. به همین علت دولت‌ها برای کاهش این فشار به سیاست‌های حمایتی روی می‌آورند. از آنجا که مشاغل دنیای حاضر برخلاف گذشته غیرانعطاف‌پذیر و دور از خانه هستند و این امر به معنای نبود زن به مدت طولانی در کنار خانواده است، دولت‌ها تلاش می‌کنند با تصویب قوانین مختلف از مشکلات اشتغال زنان در راستای حمایت از خانواده بکاهند. به این سیاست‌ها، سیاست‌های حمایتی از خانواده می‌گویند.

الگوی خانواده‌محور در نظام اسلامی به این معناست که تمامی سیاستگذاری‌ها و قوانین باید در جهت حمایت از حفظ خانواده تدوین شود. وظیفه نظام اسلامی در رابطه با اشتغال زنان، عدم تشویق اشتغال زنان و همچنین اعمال سیاست‌های کاهش تعارضات اشتغال با محیط خانواده است. از آنجا که اشتغال زنان اولویت نظام اسلامی نیست در آموزه‌های اسلامی کمتر با سیاست‌های تشویقی مرتبط با زنان جهت ورود به عرصه عمومی مواجه می‌شویم. مامایی و ریسندگی از مشاغل مستحبی برای زنان محسوب می‌شود. در روایتی از رسول اکرم بهترین سرگرمی برای زنان، ریسندگی است،<sup>۱</sup> اما این مشاغل مستحبی عموماً مشاغلی خانگی است نه مشاغلی که نیاز مبرم به ورود به عرصه عمومی دارد. به عبارت دیگر سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان در آموزه‌های اسلامی عمومیت ندارند و در رابطه با مشاغلی که هماهنگ کردن آنها با مسئولیت‌های خانگی دشوار است به‌کار نرفته است.

از آنجا که اولویت ارزشی آموزه‌های اسلامی با خانه‌داری است و وظیفه نظام تشویق زنان به خانه‌داری و با ارزش شمردن این فعالیت و عدم استفاده از سیاست‌های تشویقی در رابطه با اشتغال است. از سویی دیگر ضرورت حضور زنان در بعضی از مشاغل خاص که در بالا ذکر شد و همچنین نیاز اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها به اشتغال زنان در شرایط فعلی، ضرورت اعمال سیاست‌های حمایتی از خانواده را مطرح می‌کند. نظام اسلامی موظف است جهت پیشگیری از آسیب به خانواده، قوانینی را در راستای حمایت از شاغلین زن و کاهش فشارهای ناشی از انجام همزمان فعالیت‌های خانگی و عمومی وضع کند. مثل قوانین کاهش سن بازنشستگی زنان،<sup>۱</sup> بازنشستگی پیش از موعد زنان با بیست سال سابقه کار،<sup>۲</sup> مرخصی‌های بارداری،<sup>۳</sup> منع کار سخت و شبانه زنان،<sup>۴</sup> ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک در نزدیکی محل کار مادران شاغل.<sup>۵</sup>

براساس آنچه از آموزه‌های اسلامی بر می‌آید، نظام اسلامی موظف است از سیاست‌های تشویقی و حمایتی در رابطه با خانه‌داری زنان استفاده کند و تشویق خانه‌داری و فعالیت‌های خانگی را در اولویت ارزشی سیاست‌های خود قرار دهد، همچنین از زنان خانه‌دار در قالب نظام بیمه‌ای و در نظر گرفتن تسهیلات مختلف حمایت لازم را بنماید. در رابطه با اشتغال زنان نیز نظام صرفاً موظف به کاربرد سیاست‌های حمایتی جهت کاهش فشارهای دوگانه بر زن شاغل با هدف حمایت از خانواده است، زیرا در صورت نبود این حمایت‌ها خانواده بیشترین آسیب را خواهد دید. حال باید دید با توجه به نکاتی که ذکر شد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام دینی اسلامی در رابطه با اشتغال زنان و خانه‌داری چگونه تدوین شده است و تشویق کدام یک از این دو فعالیت محور برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها قرار گرفته است؟

### بررسی قوانین و سیاست‌های تصویب شده در نظام جمهوری اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران، حفظ بنیاد خانواده به‌عنوان یک مصلحت کلان مطرح شده که تمامی سیاست‌ها و قوانین باید در راستای تحکیم آن تنظیم شوند.<sup>۶</sup> این مهم را می‌توان در اصل دهم قانون اساسی دید که تصریح می‌کند: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و

۱. قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۳.

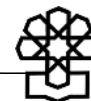
۲. قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، ۱۳۸۶/۶/۵.

۳. قانون کار، ماده (۷۶).

۴. آیین‌نامه مربوط به حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن و نوجوانان، ۱۳۶۹/۲/۲۹.

۵. آیین‌نامه اجرایی شیرخوارگاه‌ها و مهدکودک‌ها، ۱۳۷۰/۵/۵.

۶. اصل دهم قانون اساسی.



مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در سیاست «اهداف و اصول تشکیل خانواده و تحکیم و حمایت از آن» مصوب ۱۳۸۴/۸/۷ که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است، بر لزوم تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی، حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن، ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه، همگرایی و هماهنگی کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده به منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه، گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود، خانواده، ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، تأکید شده است.

در سیاست‌های کلی برنامه سوم (بند «۲۵») برنامه چهارم (بند «۱۴») و پنجم توسعه (بند «۱۲»)، مصوب رهبری، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان مورد تأکید قرار گرفته است.

علیرغم وجود چنین تأکیدی بر حفظ نهاد خانواده، در بسیاری از سیاست‌ها و قوانینی که در نظام جمهوری اسلامی تصویب شده است، اشتغال زنان مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است بدون اینکه مشکلات ورود زنان به عرصه عمومی و تعارض آنها با نهاد خانواده در نظر گرفته شود. نگاهی به قوانین کشور نشان می‌دهد که آنچه در حال حاضر در زمینه فعالیت‌های زنان ارزشمند تلقی شده و متناسب با آن سیاستگذاری می‌گردد، اشتغال زنان است، در چنین شرایطی موضوع «ارزش فعالیت‌های زنان خانه‌دار در تحکیم خانواده» تبدیل به یک شعار گشته که اقدامی در رابطه با آن صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر زنان خانه‌دار عنصر غایب این سیاستگذاری‌ها هستند.

این قوانین و سیاست‌ها در دو بخش مورد بررسی قرار گرفته است: بررسی سیاست‌ها و قوانین مرتبط با اشتغال زنان، بررسی سیاست‌ها و قوانین مرتبط با خانه‌داری

### الف) بررسی سیاست‌ها و قوانین مرتبط با اشتغال زنان

نگاهی به قوانین و سیاست‌های اشتغال نشان می‌دهد علاوه بر اینکه در بسیاری از آنها تلاش شده تعارض اشتغال و فعالیت‌های خانه‌داری زنان کاهش یابد در مواردی نیز شاهد تشویق زنان به اشتغال یا عدم توجه به الگوی خانواده‌محور اسلام هستیم. فراخوان گسترده زنان به اشتغال (به‌خصوص در مشاغل مدیریتی) نباید جزء سیاست‌های نظام اسلامی قرار گیرد، زیرا آنچه اولویت ارزشی نظام تلقی می‌شود خانه‌داری زنان است. بنابراین سیاست تشویقی در رابطه با خانه‌داری امری مطلوب است نه اشتغال. از سویی دیگر به علت گسترش روزافزون اشتغال زنان که بخشی از آن ناشی از فشارهای اقتصادی است، نظام موظف است با تصویب قوانین مختلف جهت حمایت از نظام خانواده از تعارضات اشتغال زنان با مسئولیت‌های خانوادگی بکاهد تا اشتغال به نهاد خانواده آسیب وارد نسازد. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران موظف به اتخاذ سیاست‌های حمایتی از زنان شاغل به منظور حمایت از نهاد خانواده است نه اینکه به تشویق اشتغال زنان روی آورد.

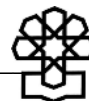
بررسی سیاست‌هایی که در جمهوری اسلامی تدوین شده نشان می‌دهد بعضی از آنها سیاست‌های تشویقی در راستای اشتغال زنان هستند. در ادامه برخی از این سیاست‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۱/۵/۲۰) ضمن تأکید بر نقش زنان در خانواده به عنوان شغل اصلی آنها مواردی از تشویق زنان به اشتغال و عدم توجه به بنیان خانواده دیده می‌شود. در ماده (۵) آن بیان شده: با توجه به نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت، باید تسهیلات لازم برای اشتغال آنان از سوی دستگاه‌های اجرایی فراهم آید و برنامه‌ریزی‌های مناسب حسب اولویت صورت گیرد. به علاوه قوانین و امکانات فوق‌العاده‌ای نیز برای اشتغال زنان تا سرحد رفع نیاز در ردیف‌های الف و ب مشاغل در نظر گرفته شود و در خصوص ردیف ج، زنان نیز مانند مردان قادر باشند بدون تبعیض شغل مطلوب خود را به دست آورند.

الف) مشاغلی که پرداختن بدان از سوی زنان مطلوب شارع است مانند مامایی و رشته‌هایی از پزشکی و تدریس.

ب) مشاغلی که با ویژگی‌های بانوان از لحاظ روحی و جسمی متناسب است، مانند علوم آزمایشگاهی، مهندسی الکترونیک، داروسازی، مددکاری و مترجمی.

ج) مشاغلی که هیچ‌گونه مزیت و برتری در آن برای شاغلان زن و مرد وجود ندارد و یا انتخاب آن به صورت طبیعی صورت می‌گیرد و ملاک آن تخصص و تجربه است نه جنسیت



(کارگری ساده در سایر رشته‌های فنی و خدماتی).

د) مشاغلی که یا به دلیل منع شرعی یا شرایط خشن کار و یا به دلیل ارزش‌های اعتقادی (فرهنگی و اجتماعی) برای بانوان نامناسب است مانند قضا و آتش‌نشانی.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بند «الف» این ماده به مشاغلی توجه شده که از نگاه شارع پرداختن به آنها خاص زنان است مثل مامایی. تشویق زنان به حضور در این فعالیت‌ها امری مطلوب در سیاستگذاری‌هاست. اما در بند «ب» بعضی از مشاغل متناسب با روحیه و شرایط جسمانی زنان تلقی شده که به نظر نمی‌رسد مشاغلی که ذکر شده چنین ویژگی داشته باشند! مهندسی الکترونیک، داروسازی و مترجمی از چه نظر با شرایط جسمانی و روحی زنان هماهنگ است که دستگاه‌های اجرایی تسهیلات لازم جهت اشتغال زنان در این حوزه را فراهم کنند؟

ماده (۶) - تشویق بانوان تحصیلکرده و متخصص با تجربه به احراز سمت‌های مدیریت و مشاغل ستادی، به منظور امکان استفاده از کارآیی آنها در سطوح عالی اجرایی. این ماده نیز یک سیاست کاملاً تشویقی جهت حضور در مشاغل مدیریتی است. از آنجا که این مشاغل همراه با استرس، مسئولیت و ساعات کاری طولانی‌تری هستند، تطابق آنها با مسئولیت‌های خانوادگی بسیار دشوار است. سیاست تشویقی در این‌گونه مشاغل مخالف تحکیم خانواده محسوب می‌شود.

ماده (۱۲) - فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی، ایجاد شود. در این ماده ایجاد فرصت شغلی برای زنان خانه‌دار از طریق کار در منزل مورد تأکید قرار گرفته که باز هم نشان‌دهنده ارزشگذاری بیشتر بر فعالیت‌های مزدبگیری است. نکته‌ای که به نظر می‌رسد در این سیاست مورد غفلت قرار گرفته لزوم اشتغال سرپرست خانوار نه زنان در جمهوری اسلامی است. سیاست‌های کشور ما باید به گونه‌ای تدوین شود تا اشتغال برای سرپرستان خانوار فراهم شود. نه تشویق زنان به اشتغال در مشاغلی که هیچ‌گونه مزیت و برتری در آن برای شاغلان زن و مرد وجود ندارد.

در «سیاست فرهنگی - تبلیغی روز زن» مصوب ۱۳۸۱/۷/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی علاوه بر توجه به تجلیل و تکریم از زنان خانه‌دار، دختران، همسران، مادران نمونه و الگو به ویژه موفقیت آنان در ایفای نقش‌های چندگانه (بخش د) و تبیین و تأکید بر نقش و رسالت خطیر مادری و نقش زنان در تحکیم بنیان خانواده و تربیت (بخش ه) سعی و اهتمام مدیران و برنامه‌ریزان کشور نسبت به ایجاد زمینه مناسب فرهنگی و اصلاح ساختاری در به‌کارگیری زنان در پست‌های مدیریتی

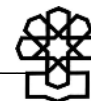
با تأکید بر شایستگی آنان در ابعاد مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. که سیاستی تشویقی جهت روی آوردن زنان به پست‌های مدیریتی محسوب می‌شود.

در «سیاست‌های فعالیت‌های بین‌المللی زنان» مصوب ۱۳۸۲/۱۶/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش سیاست‌های راهبردی، تلاش برای ایجاد عرصه‌های جدید و مناسب به‌منظور به‌دست گرفتن ابتکار عمل زنان ایران در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی بند «۱۰» استفاده از توانمندی‌های زنان در سطوح مختلف مدیریت امور بین‌الملل و سیاست‌های خارجی نظام اسلامی بند «۱۳» از سیاست‌های مطرح شده جهت ارتقای فعالیت‌های بین‌المللی زنان هستند. این سیاست نیز سیاستی کاملاً تشویقی در راستای اشتغال زنان است.

در «سیاست‌های ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی» (مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) و فصل هفتم/ سیاست‌های مربوط به اشتغال زنان فارغ‌التحصیل، بر ایجاد هماهنگی جهت فراهم کردن فرصت‌های شغلی به‌منظور بهره‌وری نظام‌مند و مناسب از نظام آموزش عالی دولتی زنان با توجه به صرف منابع و جلوگیری از اتلاف آن تأکید شده است. در این ماده عدم اشتغال زنان تحصیلکرده به معنای اتلاف منابع است. این بدین معناست که زنان خانه‌دار نیازی به آموزش ندارند و صرف هزینه برای آنها اتلاف منابع است. زنان خانه‌دار به‌عنوان افرادی که وظیفه تربیت فرزندان را برعهده دارند نیز نیازمند آموزش و کسب مهارت هستند و سرمایه‌گذاری برای آنها، یک سرمایه‌گذاری کلان و بلندمدت محسوب می‌شود. در صورتی‌که الگوی خانواده‌محور در تدوین سیاست‌ها مطرح باشد، چنین موادی تدوین نمی‌شود.

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۶/۴ با توجه به برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۸ و لزوم **تحدید موالید** وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی را بالا بردن اشتغال زنان مشخص کرده است. با توجه به نرخ رشد بالای جمعیت آن دوره ایران اسلامی سیاست **تحدید موالید** امری طبیعی است، اما در نظر گرفتن راهکار «افزایش اشتغال زنان» جهت تحقق این مسئله امری غیرمنطقی است. مسلماً راهکارهای مناسب‌تری در این زمینه وجود داد چرا که افزایش اشتغال زنان علاوه بر کاهش نرخ رشد جمعیت (درگیری‌های متعدد زنان شاغل از تمایل آنان به فرزندآوری می‌کاهد) پیامدهای دیگری چون کاهش سلامت عاطفی فرزندان، کاهش ارتباطات خانوادگی و کلامی، افزایش مزاحمت جنسی در محیط کار (در صورت عدم تفکیک فضای زنانه و مردانه) را خواهد داشت. بنابراین این راهکار جهت **تحدید موالید** با الگوی خانواده‌محور تعارض دارد.

شورای عالی اداری در یکصدمین جلسه مورخه ۱۳۸۱/۱۲/۲۴، بنا به پیشنهاد سازمان مدیران



و برنامه‌ریزی کشور به منظور ارتقای بهره‌وری و کارآیی نیروی انسانی، مدیریت دستگاه‌های اجرایی و برقراری نظام مطلوب انتصاب مدیران «ضوابط انتخاب، انتصاب و تغییر مدیران» را تصویب کرد. در تبصره «۲» ماده (۷) آن آمده:

«به منظور ارتقای مشارکت بانوان در مشاغل مدیریتی، دستگاه‌های اجرایی موظف هستند برنامه‌ریزی و اقدامات لازم را برای شناسایی و ارتقای توانمندی‌های بانوان و انتصاب آنها در سطوح مدیریتی انجام دهند به نحوی که همه‌ساله انتصاب بانوان در پست‌های مدیریتی افزایش یابد».

این مصوبه نیز خواهان افزایش مدیران زن بدون توجه به الگوی خانواده‌محور در عرصه اشتغال است و در حقیقت یک سیاست کاملاً تشویقی اشتغال محسوب می‌شود.

از سویی دیگر گسترش اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران سبب شده قانونگذار قوانین متعددی در راستای حمایت از زنان شاغل و برطرف ساختن تعارض اشتغال و مسئولیت‌های خانوادگی تصویب کند که این مسئله نشان‌دهنده توجه قانونگذار به محوریت خانواده در بحث اشتغال زنان است. قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان، مرخصی زایمان، ممنوعیت کار سخت و شبانه زنان، کاهش سن بازنشستگی زنان، بازنشستگی پیش از موعد، لزوم ایجاد مهدکودک و شیرخوارگاه در کارگاه‌های دولتی و...<sup>۱</sup> از جمله این موارد است. همان‌طور که گفته شد اعمال سیاست‌های حمایتی از زنان شاغل تا حدود زیادی می‌تواند از مسائل و مشکلات این زنان کاسته و در نتیجه به نهاد خانواده کمترین آسیب وارد خواهد شد. به عنوان مثال وجود مرخصی زایمان ۶ ماهه سبب می‌شود بسیاری از زنان شاغل بدون دغدغه و نگرانی از دست دادن شغل در نتیجه بارداری، تمایل به فرزندآوری داشته باشند. در حالی که در صورت فقدان چنین قانونی بسیاری از زنان شاغل تمایلی به فرزندآوری نخواهند داشت چراکه این مسئله به معنای از دست دادن شغل و درآمد اقتصادی‌شان است.

همان‌طور که ملاحظه شد در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های حمایتی و تشویقی متعددی در راستای اشتغال زنان تدوین شده است. استفاده از سیاست‌های تشویقی در رابطه با اشتغال زنان بدین معناست که خانه‌داری در سیاست‌های مورد تشویق و تبلیغ قرار نگرفته است، این در حالی است که همان‌طور که ذکر شد اولویت ارزشی نظام اسلامی باید خانه‌داری قرار گیرد. به عبارت دیگر اعمال سیاست‌های تشویقی در باب اشتغال به معنای فقدان سیاست تشویقی در رابطه با خانه‌داری است. حال باید دید تا چه حد قوانین و سیاستگذاری‌ها از فعالیت‌های خانه‌داری حمایت کرده‌اند؟

۱. برای آگاهی بیشتر از قوانین تصویب شده در جمهوری اسلامی ایران می‌توانید به گزارش بررسی قوانین و مقررات اشتغال زنان، تهیه شده در گروه زنان و خانواده مرکز پژوهش‌های مجلس مراجعه کنید.

### ب) بررسی قوانین مرتبط با زنان خانه‌دار

زنان خانه‌دار مسئولیت‌های خطیری در پرورش جسمی و روحی فرزندان، حمایت عاطفی و جنسی از همسر، کنترل سبب خانوار و اصلاح الگوی مصرف و تقویت بنیادهای خانواده دارند. لازمه اجرای چنین نقش‌هایی حمایت از سلامت جسمی و روحی آنهاست. بنابراین یکی از وظایف قوانین جمهوری اسلامی حمایت از زنان خانه‌دار است. در طول هشت دوره مجلس شورای اسلامی تنها یک قانون به موضوع زنان خانه‌دار و حمایت از آنها توجه کرده است که در ذیل به روند شکل‌گیری آن اشاره می‌شود:

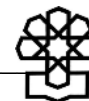
#### روند شکل‌گیری بیمه زنان خانه‌دار

نواقص سیستم تأمین اجتماعی فعلی (که عمدتاً ناشی از تمرکز بر اشتغال به معنای وجود رابطه مزد و حقوق بگیری می‌باشد) سبب فقدان امنیت اجتماعی - اقتصادی و نداشتن آینده‌ای امن برای زنان خانه‌دار در هنگام بروز حوادث محتمل و قطعی نظیر ازکارافتادگی، بیوه‌گی، طلاق، بیماری، سالخوردگی، رهاشدگی شده است. این مسئله سبب شد هیئت دولت در مصوبه ۱۳۷۸/۱۱/۳ سازمان تأمین اجتماعی را موظف به تهیه و تدوین طرح بیمه زنان خانه‌دار کند، طرح «صندوق تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار» در سال ۱۳۸۰ به دولت ارائه گردید و در پی آن طی هماهنگی با فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی نهایتاً اجرای طرح بیمه زنان خانه‌دار در قالب اختصاص ردیفی از بودجه سالیانه از سال ۱۳۸۱ به بعد برعهده سازمان بهزیستی نهاده شد. جهت اجرای این طرح، بهزیستی موظف به طراحی آیین‌نامه‌ای با همکاری سازمان تأمین اجتماعی شد که به علت عدم حضور تأمین اجتماعی در هیچ یک از جلسات، آنچه مورد نظر طراحان اولیه طرح بود اجرا نشد.<sup>۱</sup>

با روی کار آمدن دولت نهم و تأکیدات رئیس‌جمهور در اجرای طرح مذکور در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۷، هیئت دولت، مرکز امور زنان و خانواده و نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی را مسئول بررسی «طرح اجرای کامل بیمه زنان خانه‌دار» کرد. اساسنامه پیشنهادی صندوق بیمه زنان خانه‌دار توسط این مرکز تهیه و در اسفندماه ۱۳۸۵ به هیئت دولت ارائه گردید، پس از دریافت نقطه نظرات دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف، پیش‌نویس مذکور مورد بازنگری قرار گرفته و با لحاظ اصلاحاتی به رئیس محترم جمهور اعلام شد.

در پی تصمیمات اتخاذ شده در کمیسیون اجتماعی دولت در سال ۱۳۸۷، وزارت رفاه مسئول بررسی و پیگیری طرح شد و در همین راستا با تشکیل کارگروهی متشکل از نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بیمه خدمات





درمانی، سازمان بازنشستگی کشور، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و مرکز امور زنان و خانواده ریاست‌جمهور در وزارت رفاه، موضوع مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی کلیات طرح، اکثریت اعضای کارگروه نسبت به ایجاد صندوقی جدید طبق قانون خدمات کشوری موافق نبودند (به‌علت کمبود اعتبارات) و در نهایت با توجه به ظرفیت‌های موجود و پتانسیل‌های صندوق‌های بیمه‌ای فعلی، توافق بر اصلاح آیین‌نامه اجرایی بند «ب» تبصره «۳» ماده (۴) قانون تأمین اجتماعی شد، بدین ترتیب اجرای طرح بیمه زنان خانه‌دار در قالب بیمه حرف و مشاغل آزاد در هیئت‌مدیره تأمین اجتماعی تصویب و طی بخشنامه‌ای برای اقدام به واحدهای اجرایی آن سازمان ابلاغ شد. با ابلاغ این بخشنامه زنان خانه‌دار با رعایت شرایط مقرر در بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد از تاریخ صدور این بخشنامه (۱۳۸۷/۹/۱۷) در زمره مشمولان تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند. این افراد می‌توانند در صورت تمایل به‌صورت خوداظهاری به‌عنوان خانه‌دار و با انعقاد قرارداد و پرداخت حق بیمه مقرر از تعهدات قانونی این سازمان برخوردار شوند.

ضوابط بیمه شدن این افراد با شرایط صاحبان حرف و مشاغل آزاد یکسان می‌باشد. همچنین طبق ابلاغ سازمان تأمین اجتماعی شرایط سنی برای بیمه شدن زنان خانه‌دار نیز مشابه قانون صاحبان حرف و مشاغل آزاد می‌باشد و سن متقاضیان بیمه زنان خانه‌دار که فاقد سابقه پرداخت حق بیمه آن سازمان هستند در هنگام درخواست نباید از ۴۵ سال تمام بیشتر باشد و در صورتی که سن آنها بالاتر از سال ذکر شده باشد در صورت داشتن سابقه پرداخت حق بیمه قبلی به ازای نصف مدت سابقه، به سقف سنی مجاز آنها اضافه می‌شود همچنین درخواست برای متقاضیانی که دارای ۱۰ سال سابقه حق بیمه بوده بدون شرط سنی پذیرفته می‌شود.

درحال حاضر سازمان تأمین اجتماعی نرخ‌های پرداختی حق بیمه را ۱۴، ۱۶، ۲۰ درصد اعلام کرده که دو درصد آن سهم دولت است. زنان خانه‌دار بجز دو درصد پرداختی دولت، باید بقیه این حق بیمه را خود بپردازد. این درحالی است که زن خانه‌دار فاقد درآمد مستقل برای خود است و در نتیجه طبیعی به‌نظر می‌رسد که از این طرح استقبال نگردد.

به‌عبارت دیگر قانونگذار هیچ حمایتی از زنان خانه‌دار به‌عمل نیاورده است و تصویب یا عدم تصویب این قانون تفاوت چندانی در موقعیت زنان خانه‌دار ایجاد نکرده است. این درحالی است که همان‌طور که گفته شد خانه‌داری و مسئولیت‌های خانگی اولویت ارزشی نظام اسلامی محسوب می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد تأکید و ارزشمندی خانه‌داری صرفاً در حد شعار باقی مانده است.

### بررسی شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی

زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان نقش بسیار مهمی در فرآیند توسعه دارند. در تمامی شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی نقش زنان شاغل در ارتقای سطح جوامع محاسبه می‌گردد و زنان خانه‌دار و نقش مهم آنها در مدیریت خانه و تولید ثروت نادیده گرفته می‌شود. گزارش بانک جهانی، برپایه این موضوع استوار است که عدم مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا MENA، هزینه‌های بالایی را بر اقتصاد آنها تحمیل می‌کند. در این کشورها سرمایه‌گذاری‌های سنگینی برای دستیابی زنان به تحصیلات بالاتر و همچنین، سطوح بالاتر بهداشت و تنظیم خانواده صورت پذیرفته است. در واقع در این نگاه خارج داشتن زنان از مشارکت در نیروی کار، سبب تقلیل سطح فعالیت‌های کلان اقتصادی و رفاه عمومی کشور می‌شود.<sup>۱</sup> بدین ترتیب در این رویکرد آنچه سبب افزایش رفاه عمومی در جوامع می‌گردد فراخوان زنان به اشتغال است و زنان خانه‌دار نقشی در رفاه عمومی ندارند. این درحالی است که زنان خانه‌دار نقش مهمی در توسعه کشورها ایفا می‌کنند، اما نقش آنها همیشه نادیده گرفته می‌شود.

در شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی<sup>۲</sup> نیز نقش زنان شاغل مورد محاسبه قرار گرفته و نقش زنان خانه‌دار در تولید ثروت نادیده گرفته می‌شود. در قانون برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنج‌ساله ایران نیز همین نگرش اقتصادمحور حاکم است. در ادامه نگاهی به این شاخص‌های توسعه خواهیم انداخت.

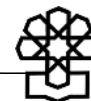
#### الف) توسعه اقتصادی

برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی شیوه‌های متعددی وجود دارد. یکی از شیوه‌های سنجش توسعه اقتصادی کشورها افزایش درآمد سرانه است. درآمد سرانه به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی در قالب تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می‌شود. در محاسبات آماری برای تخمین ارقام مربوط به GDP، کل جمعیت در سن کار کشور به دو گروه فعال و غیرفعال تقسیم می‌گردد. بخش فعال شامل جمعیت شاغل و بیکار (در جستجوی کار) و بخش غیرفعال شامل زنان خانه‌دار، محصلین، افراد دارای درآمد بدون کار و سایرین می‌باشند.<sup>۳</sup> تولید ناخالص داخلی هر کشور طبق تعریف برابر است با جمع ارزش‌افزوده ناخالص همه واحدهای سازمانی ساکن در آن

۱. بهروز تصدیقی، ۱۳۸۳.

۲. از آنجا که در جمهوری اسلامی ایران نیز برای سنجش توسعه از همین شاخص استفاده می‌شود و به‌عبارت دیگر این شاخص‌ها جهانی هستند در اینجا ذکر شده‌اند.

۳. نسرين جزئی، ۱۳۸۳ و فاطمه میرجلیلی، ۱۳۸۶.



کشور که در تولید فعالیت دارند به اضافه مالیات‌ها، منهای هرگونه یارانه به محصولات که در ارزش تولیدات آنها به‌شمار نیامده است. GDP دقیقاً برابر است با مجموع ارزش‌افزوده ناخالص تمام فعالیت‌های تولیدی که در محدوده جغرافیایی اقتصاد ملی رخ می‌دهند.<sup>۱</sup> طبق استانداردهای بین‌المللی و در سیستم حسابداری ملی، خانه‌داری و فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه در زمره فعالیت‌های غیراقتصادی محسوب می‌شوند. بدین ترتیب در درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی ارزش کار خانگی محاسبه نمی‌گردد. این درحالی است که بنابر گفته آنتونی گیدنز کار خانگی با ارائه خدمات رایگان به جمعیت شاغل بنیه اقتصاد را تقویت می‌کند. بنابر پاره‌ای برآوردها در کشورهای صنعتی ارزش کار خانگی تقریباً معادل ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت ایجاد شده است.<sup>۲</sup>

زنان خانه‌دار عمدتاً بیشترین درصد جمعیت غیرفعال را به خود اختصاص می‌دهند. نگاهی به سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد در این سال، زنان شاغل ۹/۵ و بیکاران زن ۲/۹<sup>۳</sup> جمعیت را تشکیل می‌دهند. ۸۶/۶ درصد جمعیت غیرفعال و ۱۲/۴ درصد جمعیت فعال را زنان تشکیل می‌دهند. این ارقام برای مردان به ترتیب، ۳۳/۷ و ۶۵/۶ درصد است.

---

۱. فاطمه میرجلیلی، ۱۳۸۶.

۲. محمدرضا زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۴.

۳. بیکار در تعاریف آماری (مرکز آمار ایران) به کسانی گفته می‌شود که ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند و دارای شغلی نبوده‌اند و هر دو شرط زیر را داشته باشند:

الف) در ۳۰ روز گذشته برای جستجوی کار اقدام مشخصی را نظیر ثبت‌نام یا پیگیری در مؤسساتی کاریابی پرس‌وجو از دوستان، تماس از کارفرمایان، مطالعه آگهی‌های تبلیغاتی و... انجام داده باشند.

ب) آماده به‌کار باشند یعنی طی یک دوره ۱۵ روزه شامل ۷ روز گذشته و ۷ روز آینده آمادگی شروع کار را داشته باشند. همچنین افراد ذیل بیکار محسوب شده‌اند.

در انتظار شروع کار جدید هستند.

منتظر بازگشت به کار قبلی هستند.

جدول ۲. توزیع درصد جمعیت ده‌ساله به بالا برحسب وضع و فعالیت به تفکیک جنس در سال ۱۳۸۵<sup>۱</sup>

۱۳۸۵		وضع فعالیت
زن	مرد	
۹/۵	۵۸/۵	شاغل
۲/۹	۷/۱	بیکار
۱۲/۴	۶۵/۶	جمع فعال
۲۲/۴	۲۱/۷	محصل
۵۴/۶	۰/۲	خانه‌دار
۳/۸	۶/۱	دارای درآمد بدون کار
۵/۸	۵/۶	سایر
۸۶/۶	۳۳/۷	جمع غیرفعال
۱/۰	۰/۷	اظهار نشده
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

این آمار نشان‌دهنده سهم پایین زنان در فعالیت اقتصادی است، زیرا تنها سهم ۱۲/۴ درصد جمعیت زنان (فعالان اقتصادی) در سال ۱۳۸۵ در تولید ناخالص داخلی قابل محاسبه است. به عبارت دیگر سهم زنان خانه‌دار در توسعه اقتصادی نادیده گرفته شده است.

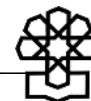
### ب) توسعه انسانی

برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) را به‌عنوان شیوه‌ای برای اندازه‌گیری توسعه ملی با استفاده از معرف‌هایی چون طول عمر (امید به زندگی) دانش (باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های تحصیل) و قدرت خرید (درآمد سرانه) طراحی کرد. این شاخص‌ها اگرچه رفاه، رضایت و خوشبختی ساکنان یک کشور را محاسبه نمی‌کند اما نشان‌دهنده پیشرفت کشورها در حوزه بهداشت و زندگی طولانی‌تر و فرصت‌های موجود در میان شهروندان یک کشور هستند. برای آنکه نقش توسعه انسانی بر گروه‌های مختلف جامعه به‌خصوص زنان سنجیده شود در سال ۱۹۹۵ گزارش توسعه انسانی دو شاخص جدید را طراحی کرد: شاخص توسعه جنسیتی (GDI) و شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM).<sup>۲</sup>

معرف‌های شاخص توسعه جنسیتی همان معرف‌های توسعه انسانی هستند که برای اندازه‌گیری نابرابری‌های جنسیتی طراحی شده‌اند. شاخص توانمندسازی جنسیتی، رشد زنان یک

۱. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵ به نقل از کاظمی‌پور، ص ۴۱۸.

۲. سوسن باستانی، ۱۳۸۲.



کشور را از لحاظ سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای مد نظر قرار می‌دهد. تعداد زنان در بین نمایندگان مجلس، میزان شرکت در مشاغل مدیریتی، حرفه‌ای و تکنیکی و قدرت مالی زنان نشان‌دهنده توانمندی کشورهاست. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این شاخص‌ها، حضور زنان در عرصه عمومی، اشتغال و کسب درآمد را عامل توسعه کشورها تلقی می‌کنند. در این شاخص‌ها نیز زنان خانه‌دار نقشی در توسعه ایفا نمی‌کنند.

وجود چنین نگاهی سبب می‌شود سیاستمداران نیز جهت توسعه کشور بر اشتغال زنان تأکید کرده و آن را با ارزش تلقی کنند. حتی بسیاری از کشورها جهت افزایش حضور زنان در عرصه عمومی از سیاست تبعیض مثبت استفاده می‌کند. شاخص‌های جهانی سنجش توسعه به خانه‌داری زنان و نقش آن در تولید ثروت و ارزش‌افزوده بی‌تفاوتند. به همین جهت نیز سیاستمداران و برنامه‌ریزان اجتماعی از اهمیت این نقش در توسعه غفلت ورزیده و به ترغیب زنان برای حضور در اجتماع و تصدی شغل تأکید می‌ورزند. این درحالی است که همان‌طور که ذکر شد ارزش کار خانگی در تولید ثروت بین ۲۵ تا ۴۰ درصد در کشورهای غربی تخمین زده شده است. اهمیت ارزش تولید شده کار خانگی تا جایی است که در بعضی از کشورها چون استرالیا و کانادا تلاش شده ارزش تولیدات خانگی محاسبه گردد.<sup>۱</sup>

براساس طرح پیشنهادی سازمان ملل متحد مبنی بر ایجاد حسابی به نام حساب‌های اقماری تولیدات خانگی غیربازاری (NMHP) این فعالیت‌ها شامل: تغذیه، مراقبت از بزرگسالان، شستشوی لباس و اتو کردن، تعمیرات و نگهداری محل سکونت، دوخت و دوز لباس، خرید کردن و حمل‌ونقل و فعالیت‌های داوطلبانه می‌شود. اهمیت این فعالیت‌ها در تقویت بنیاد اقتصاد جوامع سبب شده ارزش تولید خانگی غیربازاری با استفاده از روش‌های مختلف محاسبه گردد.<sup>۲</sup>

براساس مطالعه‌ای که نسرين جزنی در سال ۱۳۷۹ بر خانوارهای شهر تهران انجام داده، سهم ارزش‌افزوده کار خانگی ماهیانه در تهران برابر ۲ هزار میلیارد ۹۷۱ میلیون و ۶۵۸ هزار و ۴۲۶ ریال و ارزش‌افزوده سالیانه کار خانگی برابر ۳۵ میلیارد و ۶۵۹ میلیون و ۹۰۱ هزار و ۱۲۱ ریال است.<sup>۳</sup> بدین ترتیب اگر ارزش‌افزوده کار خانگی سالیانه در تولید ناخالص داخلی محاسبه گردد درآمد سرانه کشور بسیار افزایش خواهد یافت.

براساس مطالعه دیگری که بر ارزش کار خانگی در سال ۱۳۸۵ انجام شده، ارزش ماهیانه کار

۱. فاطمه میرجلیلی، ۱۳۸۶، صص ۹-۱۱.

۲. برای اطلاع از روش‌ها می‌توانید به ارزش کار خانگی نوشته نسرين جزنی و بررسی ارزش اقتصادی کار خانگی زنان و شیوه‌های حمایت از آن نوشته فاطمه میرجلیلی مراجعه کنید.

۳. نسرين جزنی، ۱۳۸۳.

خانگی زنان، معادل ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار ریال و ارزش سالیانه آن ۱۹ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال تخمین زده شده است.<sup>۱</sup>

بنابراین در صورتی که نقش زنان خانه‌دار در فرآیند توسعه محاسبه گردد، نگرش به این فعالیت‌ها در جامعه تغییر خواهد کرد.

### ج) قوانین پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

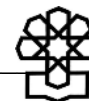
برنامه‌های پنج‌ساله را می‌توان استراتژی‌های دولت جهت رسیدن به اهداف توسعه‌ای کشور دانست که راهنمای تدوین بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های کوتاه‌مدت و عملیاتی می‌باشند. آنچه در این برنامه‌ها مد نظر قرار گرفته دستورالعمل تمامی برنامه‌ها و اقدامات دولت قرار خواهد گرفت. در این برنامه‌ها نیز آنچه شاخص توسعه حوزه زنان در نظر گرفته شده اشتغال زنان است و به نقش زنان خانه‌دار در توسعه کشور بی‌توجهی شده است.

**قانون برنامه اول توسعه:** در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بخش خط‌مشی‌ها، پرورش روحیه احترام به قانون، نظم‌پذیری، تعاون و کارگروهي، احترام به قداست و ارزش کار و فعالیت مولد، صرفه‌جویی، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، حفظ قداست خانواده و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی ماده (۳-۴) مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزشهای متعالی شخصیت اسلامی زن ماده (۳-۱۸) مورد تأکید قرار گرفته است.

در بخش سیاست تحدید مولید نیز کاهش مولید و نرخ رشد کشور (کاهش ۶/۴ مولود زنده در سال ۱۳۶۵ به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰) از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به‌عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است. به‌منظور نیل به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان مجری این سیاست موظف است با همه توان و امکانات خود، به‌طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد، تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری شود. از این دیدگاه، اولویت با آن قسمت از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهد بود که از باروری ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده‌اند.

تحقق این هدف‌ها، علاوه‌بر فعالیت‌های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و

۱. فاطمه میرجلیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.



آموزش پزشکی، مستلزم کوشش‌هایی از این قرار است:

- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به‌خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.

- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده.

بدین ترتیب در برنامه اول توسعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت پایین آوردن نرخ رشد و درصد موالید، موظف به افزایش زمینه‌های اشتغال زنان شده است. در این برنامه مشارکت هرچه بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان شاخص توسعه مطرح شده است.

**قانون برنامه دوم توسعه:** در بخش خط‌مشی‌های اساسی قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از راهکارهای رشد فضائل براساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه از طریق مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی با حفظ شئونات خانوادگی و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن دانسته شده است. در برنامه اول توسعه برای کنترل جمعیت و تحدید موالید، سیاست اشتغال زنان در کنار دیگر عوامل کنترل‌کننده، مد نظر قرار گرفته بود ولی در قانون برنامه دوم توسعه سیاست بالا بردن میزان اشتغال زنان جهت کنترل موالید حذف شده است.

همان‌طور که ملاحظه شد در این برنامه افزایش مشارکت اقتصادی زنان به حفظ شئونات خانوادگی و ارزش‌های متعالی شخصیت زن منوط شده است. به‌عبارت دیگر اشتغال زنان امری فرعی و تنها در شرایطی که خانواده آسیب نبیند، مطلوب دانسته شده است.

**قانون برنامه سوم توسعه:** در ماده (۱۵۸) این قانون مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی زیربط اقدامات متعددی را به‌عمل آورد. یکی از اقدامات افزایش فرصت‌های اشتغال زنان است:

در این قانون آمده: مرکز امور مشارکت زنان موظف است «طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به‌منظور تصویب به هیئت وزیران ارائه کند».

به‌عبارت دیگر در قانون برنامه سوم توسعه، یکی از راهکارهای تأثیرگذاری زنان در فرآیند

توسعه کشور افزایش مشارکت اقتصادی آنها در نظر گرفته است.

**قانون برنامه چهارم توسعه:** برنامه چهارم توسعه از نظر حجم موادی از برنامه که به زنان اختصاص دارد و هم از نظر رویکرد متفاوت درخصوص مبحث جنسیت مورد توجه است. در این قانون نیز تلاش‌های متعددی برای افزایش اشتغال زنان صورت گرفته است.

ماده (۵۴) دستگاه‌های اجرایی موظفند: دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان، به‌منظور افزایش سطح کارآیی و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان (به‌خصوص برای زنان) به‌ویژه از طریق آموزش‌های کوتاه‌مدت برگزار نمایند.

ماده (۱۰۱) دولت موظف است، برنامه ملی توسعه «کار شایسته» را به‌عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه، براساس راهبرد «سه‌جانبه‌گرایی» که متضمن عزت نفس، برابری فرصت‌ها، آزادی و امنیت نیروی کار، همراه با صیانت لازم باشد و مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تقدیم مجلس شورای اسلامی بنماید:

ج) گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد، توسعه و تقویت سازوکارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیررسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب).

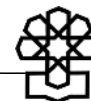
ماده (۱۱۱) دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد:

الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر: بازنگری قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.

ماده (۱۵۸) برنامه سوم اهداف دولت درباره زنان را در چارچوب اهداف مرکز امور مشارکت مشخص می‌کند و به این مرکز توصیه می‌شود که جهت انجام مأموریت‌های محوله از همکاری با دستگاه‌های مسئول غفلت ننماید. درحالی که ماده (۱۱۱) برنامه چهارم دولت را موظف به پیگیری اهداف برنامه درباره زنان می‌کند و در تبصره این ماده کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند که تحقق اهداف برنامه را با همکاری مرکز مشارکت زنان دنبال کنند.

مهمترین دغدغه در برنامه چهارم توسعه موضوع اشتغال زنان و ارتقای جایگاه اقتصادی آنان





در جامعه است. در این برنامه هیچ اشاره‌ای به مسئولیت دولت در زمینه ارتقای جایگاه زن در خانواده و تقویت نقش همسری و مادری نشده است. در بررسی قانون برنامه سوم و چهارم توسعه علاوه بر اینکه کار بدون دستمزد زنان خانه‌دار در احتساب تولید ناخالص ملی مورد بی‌مهری قرار گرفته است، هدف سیاستگذار تنها بهبود وضعیت زنان تحصیلکرده بوده و کمتر برنامه‌ریزی منسجم و قابل‌طرحی برای زنان خانه‌دار و فاقد تحصیلات عالی ارائه شده است.<sup>۱</sup>

**برنامه پنجم توسعه:** در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان در برنامه‌های قبل حذف شده و تنها در یک ماده اشتغال زنان مورد لحاظ قرار گرفته است:

ماده (۲۳۰) دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.

در این ماده توسعه و ساماندهی امور اقتصادی و معیشتی مورد توجه قرار گرفته است، اما اولویت با مشاغل خانگی و آن هم برای زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست است. ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه نیز از مسائل مورد تأکید است.

تأکید بر تقویت نهاد خانواده در برنامه پنجم توسعه نیز از ویژگی‌های دیگر این برنامه است. در این برنامه آنچه به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته توانمندسازی زنان سرپرست خانواده است. به‌عبارت دیگر سیاست حمایتی از اشتغال در این برنامه نه در رابطه با تمامی زنان، بلکه در رابطه با زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست به‌کار رفته است که با الگوی خانواده‌محور اسلام مطابقت دارد.

همان‌طور که ملاحظه شد براساس شاخص‌های توسعه، کار خانگی زنان به‌دلیل نداشتن ارزش‌افزوده اقتصادی جایگاهی را در روند توسعه‌یافتگی کشورها ندارد. بسیاری از تولیدات خانگی زنان خانه‌دار صرفنظر از مولد بودن از نظر اقتصادی و کمک به رشد درآمد ملی، قابل خرید

و فروش در بازار کالاها و خدمات نمی‌باشد. غفلت از تولیدات اصلی زنان خانه‌دار چون فداکاری، ایثار و تربیت فرزندان و بینشی صرفاً اقتصادی به امر توسعه در آینده‌ای نه چندان دور، موجب غفلت از نهاد خانواده و فروپاشی استحکامات اصلی نظام اجتماعی می‌گردد. ضروری است برنامه‌ریزان امر توسعه کشور، با اهتمام به نقش بارز زنان خانه‌دار و توجه به تعداد کثیر این قشر براساس بافت فرهنگی و سنتی کشور، جهت بهبود وضعیت آنان، سیاست‌های لازم را در برنامه‌ها مطرح کنند.<sup>۱</sup>

### بررسی نظام آموزش رسمی

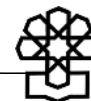
در دهه‌های اخیر نظام آموزشی مدرن در کشورهای مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در تمایل به اشتغال در میان زنان و کمرنگ شدن ارزش‌های خانوادگی داشته است. تا آنجا که یکی از فلسفه‌های مهم نظام آموزشی موجود را می‌توان آمادگی برای احراز شغل دانست.<sup>۲</sup> نظام آموزشی این‌گونه القا کرده که آنچه نیازمند تخصص و کسب مهارت است اجتماع، حرفه‌ها و مشاغل اجتماعی است، در خانواده و زندگی خانوادگی نیازی به آموزش چنین مهارت‌هایی نیست. بدین ترتیب آنچه ارزشمند تلقی می‌شود، حضور در اجتماع و مشاغل اجتماعی است. به عبارت دیگر فعالیت‌های خانه‌داری، مادری و همسری اموری ذاتی و بی‌نیاز از آموزش تلقی شده‌اند. این مسئله به معنای کم‌اهمیت جلوه دادن فعالیت‌های خانه‌داری در نظام آموزشی (به عنوان فعالیتی که نیازمند یادگیری هیچ مهارتی نیست) به نفع فعالیت در عرصه عمومی است.

در «سیاست‌های ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی» مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، در بخش سیاست‌های مربوط به آموزش عالی، اهتمام بر برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین منابع درسی متناسب با نیازها و نقش‌آفرینی‌های زنان در خانواده و اجتماع، اتخاذ تدابیر قانونی و آموزشی انعطاف‌پذیر و متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی زنان (همسری و مادری) و توسعه کمی و کیفی رشته‌های تحصیلی و منابع درسی مربوط به زنان و خانواده به منظور تبیین نظام‌مند مبانی اسلام در زمینه شخصیت، حقوق و مسئولیت‌های زنان و خانواده مورد تأکید قرار گرفته است، اما در واقعیت هیچ‌کدام از نکات فوق عملی نشده است.

در کتب درسی هیچ نشانه‌ای از ارزشمندی فعالیت خانه‌داری دیده نمی‌شود و در مقابل به‌طور مداوم بر لزوم کسب اطلاعات و مهارت‌های بیشتر برای تصدی مشاغل اجتماعی تأکید می‌شود. در

۱. همان.

۲. محمدرضا زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۹.



چنین نظامی آنچه بدیهی شناخته می‌شود اشتغال است و انتخاب خانه‌داری بعد از تحصیلات عالی به امری غیرطبیعی و به معنای اتلاف سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، در نظر گرفته می‌شود. به همین علت وقتی دانش‌آموختگان زن دارای تحصیلات عالی با نبود اشتغال روبرو می‌شوند، دچار بحران هویت می‌گردند.

حذف کلیشه‌های جنسیتی در کتب درسی نیز با چنین نگاهی صورت می‌گیرد. زمانی که فعالیت در عرصه عمومی امری ارزشمند و حضور در خانه امری بی‌ارزش فرض گرفته شود تلاش می‌شود تا برای ارتقای جایگاه زن در جامعه، تصویر او در مشاغل مهم و خطیر چون مهندسی و پزشکی در کتب درسی دیده شود نه خانه‌داری. در ایران مقایسه نتایج تحقیقات هیگینس و شعار غفاری (۱۹۹۱) و افشانی و همکاران (۱۳۸۸) مبین این حقیقت است که انتساب نقش خانه‌داری به زنان کاهش یافته و ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی افزایش یافته است. <sup>۱</sup> مسلماً کسب مراتب بالای علمی و مشاغل اجتماعی نشان‌دهنده ترقی و پیشرفت جایگاه زنان یک جامعه است، اما نکته‌ای که در این میان نباید فراموش شود اهمیت و ارزشمندی فعالیت‌های خانگی در کنار آنهاست. نظام آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که تا فعالیت‌های خانه‌داری و مادری نیز نیازمند آموزش و مهارت کافی دانسته شوند. دانش‌آموزی که در دوران تحصیل خود دروسی چون مهارت زندگی (کنترل خشم، حل مسئله، توانایی برقراری ارتباط اجتماعی مؤثر و...) نیاموخته است در زندگی خانوادگی خود موفق نخواهد بود. ازسوی دیگر نظام آموزشی باید به همان میزان که برای مشاغل اجتماعی ارزش قائل است و کسب آنها را نوعی موفقیت می‌داند نگرش افراد (اعم از مردان و زنان) را به فعالیت خانه‌داری اصلاح کند و نقش این فعالیت‌ها را در ارتقای سلامت خانواده و جامعه، افزایش درآمد سرانه و نگرش اسلام به این فعالیت‌ها را ... آموزش دهد. هیچ رشته دانشگاهی در رابطه با مهارت‌های خانه‌داری، آشپزی وجود ندارد. درحالی که این فعالیت‌ها برای ادامه حیات خانواده و جامعه ضروری است. به‌عبارت دیگر نظام آموزشی کشور نیز تشویق‌کننده اشتغال به‌عنوان الگوی مطلوب جامعه است و بر بی‌اهمیت انگاشتن خانه‌داری استوار شده است.

### بررسی نقش رسانه‌های جمعی

رسانه‌ها نیز با برجسته کردن حضور زنان در عرصه عمومی، جهان واقع را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کنند که در آن اکثر زنان شاغل هستند. آنها با ایجاد چنین تصویری مسئله اشتغال را به یکی از دغدغه‌های اصلی زنان جامعه تبدیل می‌کنند.

در اصل هجدهم قانون اساسی «اصول سیاست‌های فرهنگی کشور» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان به‌عنوان مادر و ترویج و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود به‌عنوان «مربی نسل آینده» و اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینش‌ها و اعتقادات نادرست در این زمینه مورد تأکید قرار گرفته است، لذا مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی به‌خصوص رسانه ملی باید با توجه به این رویکرد اقدام کنند.

در قانون «خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»، تلاش برای جایگزینی نظام ارزشی اسلام به‌جای نظام ارزشی شرق و غرب و مبارزه با عوارض و آثار باقیمانده فرهنگ طاغوتی ماده (۲۷)، بیان و تشریح مقام والای زن از دیدگاه اسلام و شناساندن ارزش واقعی وی به‌منظور بازگشت به اصالت اسلامی خویش، زمینه‌سازی برای از بین بردن ارزش‌های کاذب و جایگزینی فضیلت‌های اخلاقی در خانواده‌ها و کمک به تحکیم و انسجام روابط خانوادگی ماده (۴۵) مورد تأکید قرار گرفته است.

حال باید دید رسانه ملی چه الگویی از زنان را به نمایش می‌گذارد و تا چه میزان به سیاست‌های تشویقی در عرصه اشتغال زنان روی آورده است.

در پژوهشی که اعظم راوودراد در سال ۱۳۸۰ با عنوان «تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون» بر سریال‌های تلویزیونی سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ انجام داده، بازتاب تلویزیونی نقش زن در طول دوره مورد بررسی تغییر کرده است. در سال ۱۳۷۴ مهمترین نقش زن، نقش خانوادگی و به‌خصوص مادری و همسری بوده است اما در سال ۱۳۷۸، ۶۰ درصد زنان به تصویر کشیده شده در سریال‌ها، شاغل، تحصیل‌کرده و دارای فعالیت اجتماعی خارج از منزل بودند.<sup>۱</sup>

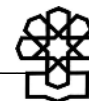
اعزازی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ساختاری جنسیت» به میزان مشارکت اجتماعی زنان در تلویزیون پرداخته است او نیز معتقد است در رسانه زن شاغل به نمایش درمی‌آید.<sup>۲</sup> نوین و جهندیده در تحلیل محتوای چهار سریال تلویزیونی سال ۱۳۸۱ (دوران سرکشی، نوعروس، پلیس جوان و خواب و بیدار) به این نتیجه رسیدند که مکان فعالیت زنان و تعدد نقش آنها بیشتر در خارج از خانه بوده است.<sup>۳</sup>

در بررسی صادقی فسایی و کریمی تحت عنوان «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی سال ۱۳۸۳»، ۴۱ درصد زنان سریال‌های مورد بررسی شاغل و ۵۴/۴ درصد زنان شاغل و درحال

۱. اعظم راوودراد، ۱۳۸۰.

۲. شهلا اعزازی، ۱۳۸۴.

۳. زهرا نوین و مریم جهندیده به نقل از صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴.



تحصیل هستند.<sup>۱</sup>

در سریال‌های سال ۱۳۷۰ و حتی ۱۳۷۴ به‌طور عمده زنان جوان دارای دیپلم و خانه‌دار و زنان مسن دارای تحصیلات پایین‌تر یا حتی بیسواد بودند، اما به‌تدریج زن تحصیلکرده و شاغل در سریال‌ها افزایش یافته‌اند. در سال ۱۳۷۶ در حدود ۱/۵ درصد زنان شاغل بودند، در سال ۱۳۷۸ بیش از نیمی از زنان بازیگر فیلم، نقش زنان شاغل یا دانشجو را بازی می‌کردند.<sup>۲</sup>

نگاهی به فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی مشخص می‌کند طی سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۸۳ تغییراتی در چگونگی نمایش خانواده در تلویزیون به‌وجود آمده است. در سال‌های اولیه بر خانواده‌ای تأکید می‌شد که اعضای آن شامل مرد نان‌آور و زن خانه‌دار است که حتی اگر شاغل نیز باشد در حوزه‌های زنانه یا در خانه فعالیت می‌کند. در سال‌های اخیر خانواده‌ای به نمایش گذاشته می‌شود که در آن زنانی که از سطح تحصیل بالاتری برخوردارند، دارای مشاغل میانی و بالای جامعه هستند. رسانه‌ها به‌عنوان منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، به نمایش زنان دارای تحصیل و مشاغل رده بالا (که همه به‌عنوان امتیازهای مثبت فرد در نظر گرفته می‌شوند) می‌پردازند و بدین ترتیب الگوی رفتاری جامعه را به‌سوی اشتغال زنان و ارزشمندی آن سوق می‌دهند.<sup>۳</sup>

رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون نقش مهمی در جامعه‌پذیر کردن افراد جامعه و شکل‌دهی به نگرش‌ها برعهده دارند. ارائه الگوی «زن شاغل - زن مطلوب» در رسانه سبب می‌گردد زنان خانه‌دار موقعیت خود را در تعارض با الگوی ارائه شده در رسانه‌ها ببینند، در نتیجه یا تلاش می‌کنند به هر نحو شده شغلی برای خود دست و پا کنند و یا خانه‌دار باقی می‌مانند اما دچار افسردگی و عدم رضایت از موقعیت فعلی خود می‌شوند.

همان‌طور که ملاحظه شد مجموعه سیاستگذاری‌ها در حوزه‌های رسانه، آموزش و پرورش، شاخص‌های توسعه و قوانین موجود در راستای تشویق به اشتغال زنان در جامعه و تبدیل آن به الگوی مطلوب جامعه است. زن موفق در چنین شرایطی زنی تحصیلکرده و شاغل است. زنان خانه‌دار در تمامی این حوزه‌ها یا نادیده گرفته شده‌اند و یا فعالیت آنها مورد تحقیر قرار گرفته شده و بی‌ارزش دیده شده است. این روند نگرش زنان را به فعالیت‌های خانگی تغییر داده و سبب می‌شود این فعالیت‌ها نزد خود زنان نیز بی‌ارزش، تکراری، یکنواخت و بی‌فایده دیده شود. نتیجه چنین نگرشی از یک‌سو افزایش اشتغال زنان و ازسوی دیگر عدم رضایتمندی زنان خانه‌دار از فعالیتی است که انجام می‌دهند.

۱. سهیلا صادقی فسائی و شیوا کریمی، ۱۳۸۴.

۲. شهلا اعزازی، ۱۳۸۶.

۳. همان، صص ۲۶-۲۳.

### آثار منفی افزایش اشتغال زنان و لزوم توجه سیاستگذاران به این مسائل

میزان مشارکت زنان در بازار کار طی دهه‌های اخیر در جهان روند فزاینده‌ای را طی کرده است به نحوی که از آن به‌عنوان مهمترین ویژگی «انقلاب در نقش‌های جنسیتی» یاد می‌شود. از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، مجموعه‌ای از عوامل به بروز چنین تحول بزرگی کمک کرده‌اند: جنگ جهانی دوم که فرصت استثنایی را در اختیار زنان قرار داد تا بتوانند اقتصاد خانواده را در غیاب مردان برعهده گیرند، تکنولوژی کنترل مولید، تکنولوژی پیشرفته وسایل متعدد خانگی که به صرفه‌جویی وقت و کاهش وظایف روزمره زنان در خانه کمک کرد، تأسیس مراکز نگهداری کودکان و مرخصی‌های زایمان، رشد بخش صنایع خدماتی مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، ارتباطات و صنعت توریسم، تغییر نگرش به فعالیت‌های خانه‌داری از جمله این عوامل است.<sup>۱</sup> با شکل‌گیری انقلاب صنعتی و جدایی محل کار از خانه آنچه با ارزش تلقی شد فعالیت‌های مزدبگیری بود. در طول تاریخ نرخ مشارکت زنان در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری، افزایش چشمگیری داشته است. در ایران تغییرات اجتماعی چون افزایش سطح تحصیلات زنان، تغییر در قوانین و مقررات، ارتقای سطح زندگی و کافی نبودن دستمزد مردان را از جمله علل این افزایش می‌توان دانست. دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در دنیای معاصر اشتغال زنان را از نیاز اقتصادی تبدیل به مطالبه و یک ارزش اجتماعی کرده است و همین امر نیز به گسترش روزافزون اشتغال زنان دامن زده است. توجه سیاستگذاران، قوانین، سیستم آموزشی و رسانه‌ها بر ارزشمندی اشتغال زنان منجر به افزایش روی آوردن زنان به عرصه عمومی گشته است. در یک نظرسنجی ۵۶ درصد از زنانی که تمام وقت خود را در خانه می‌گذرانند اظهار کرده بودند که اگر می‌توانستند همه چیز را دوباره از نو شروع می‌کردند و برای خود شغلی فراهم می‌نمودند. تنها ۲۱ درصد مادران شاغل گفته‌اند که در صورت نیاز برای بودن با کودکانشان در خانه حاضرند از کار فعلی خود دست بکشند.<sup>۲</sup>

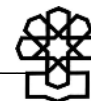
در جمهوری اسلامی ایران نیز شاهد افزایش اشتغال زنان هستیم. هرچند که این افزایش چندان چشمگیر نیست. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد در طول ده سال (۱۳۷۵-۱۳۸۵) جمعیت زنان شاغل، ۲ درصد افزایش و جمعیت زنان خانه‌دار ۴ درصد کاهش داشته است. نسبت زنان به کل جمعیت شاغل کشور از ۸/۹ درصد به ۱۳/۶ درصد رسیده است.<sup>۳</sup>

همان‌طور که گفته شد در قوانین، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و رسانه‌ای

۱. یعقوب فروتن، ۱۳۹۰، ص ۴۰.

۲. گلد، به نقل علی اصغر احمدی و سیدحسن تقوی، ۱۳۸۲.

۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸.



جمهوری اسلامی ایران آنچه مورد تأکید قرار گرفته، اشتغال زنان است. این تأکید در شرایطی است که اشتغال زنان علاوه بر پیامدهای مثبتی که دارد مثل بالا رفتن سطح خرید جامعه و قدرت اقتصادی، افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در زنان، افزایش آگاهی و بینش اجتماعی، با مشکلات متعددی چون فشار مضاعف بر زنان، تغییر در الگوهای اقتدار خانواده، کاهش فرزندآوری در جامعه، افزایش بعضی از آسیب‌های اجتماعی در محیط کار برای زنان و... همراه است.

از آنجا که بیشتر زنان شاغل به کارهای خانگی مشغول هستند و وظیفه نگهداری از کودکان را نیز برعهده دارند، برای ایجاد هماهنگی و سازش بین وظیفه مادری خود با کار بیرون از خانه مشکلات متعددی دارند. زن شاغل امروز، در حقیقت عهده‌دار سه وظیفه است: مادری، همسری و شغل بیرون از منزل. تحقیقات نشان می‌دهد کار روزانه زن در خارج از خانه شیفت اول کاری او محسوب می‌شود. با پایان یافتن ساعات کار و بازگشت به منزل شیفت دوم کاری زنان آغاز می‌گردد. زنان شاغل در هفته ۱۵۰ ساعت بیش از شوهرانشان کار می‌کنند. این امر به معنای فشار مضاعف بر زنان شاغل است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند این فشار مضاعف می‌تواند بر کیفیت زندگی خانوادگی این زنان اثر بگذارد. تضعیف سازگاری ازدواج، عملکرد ناکافی نقش، نارضایتی از شغل و زندگی، فشارهای روانی چون اضطراب از جمله این موارد است.<sup>۱</sup>

ایفای همزمان نقش‌های خانگی و اجتماعی مشکلات بیشماری را پیش روی زنان می‌گذارد، این مشکلات را در حوزه‌های مختلفی چون اشتغال و سلامت زنان، اشتغال و فرزندآوری، اشتغال و روابط خانوادگی می‌توان بررسی کرد.

### الف) تأثیر منفی بر سلامت زنان

در زمینه تأثیر اشتغال بر سلامت زنان نظرات متعددی وجود دارد و بعضی تحقیقات بر فقدان تفاوت معنادار آماری میان سلامت زنان شاغل و خانه‌دار تأکید دارند،<sup>۲</sup> اما در هر صورت آنچه واضح است فشار مضاعفی است که بر دوش زنان شاغل در نتیجه کار بیرون از منزل و کار منزل سنگینی می‌کند. این فشار در صورت نبود همکاری و مشارکت همسران زنان شاغل در خانه می‌تواند سلامتی این زنان را تهدید کند.

برخی از پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهند زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار اضطراب بیشتری دارند و بیشتر از مردان شاغل دچار افسردگی می‌شوند.<sup>۳</sup>

۱. خالد رستگار، ۱۳۸۵.

۲. همان.

۳. گرننت تونی، به نقل از زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸.

در پژوهشی که در سال ۱۹۹۹ درباره زنان شاغل انجام شده، ۳۶ درصد زنان گزارش دادند که به‌طور مداوم زیر فشار روانی هستند، ۵۶ درصد استرس را در اکثر مواقع تجربه می‌کردند، ۵۰ درصد به‌دلیل مشغله کاری ازدواج نکرده بودند و ۴۶ درصد گزارش داده‌اند که گاه کار را بر فرزندانشان مقدم می‌دانند.<sup>۱</sup>

زنان برای آنکه متهم به دزدی از فرصت‌های خانگی نشوند، مجبورند فشار بیشتری بر خود آورده و در نتیجه بیشتر از سایرین در معرض بیماری قرار می‌گیرند. ناراحتی قلبی میان آن گروه از مادران میانسال که شغل کارمندی یا فروشنده‌گی دارند دو برابر زنان خانه‌دار است.<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیت ویژه‌ای که نقش‌های سنتی همچون همسری و مادری در ایران اسلامی دارا هستند، مسئله استرس و احساس تضاد نقش، احساس تقصیر و گناه مادران شاغل نسبت به عدم پاسخگویی به نیازهای همسر و فرزندانشان مانع از آن می‌شود که نقش شغلی امتیازات و پاداش‌های معمول غرب را برای زنان در این فرهنگ داشته باشد.<sup>۳</sup>

#### ب) تأثیر بر فرزندخواهی

با گسترش اشتغال زنان هم فاصله میان ازدواج و فرزندآوری افزایش می‌یابد و هم از تمایل به فرزندآوری کاسته می‌شود. تأثیر اشتغال بر فرزندخواهی حتی در سیاست‌های جمهوری اسلامی نیز قابل مشاهده است. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۶/۴ جهت تعیین موالیید، وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی را بالا بردن اشتغال زنان مشخص کرده است. در حال حاضر نرخ رشد جمعیت کشور ما از بیش از سه درصد در دهه شصت به حدود یک درصد در دهه هشتاد رسیده است.<sup>۴</sup>

ادامه چنین روندی می‌تواند منجر به صفر شدن نرخ رشد جمعیت کشور و بروز مشکلاتی چون سالمندی جمعیت گردد. با ارزشمند شدن اشتغال زنان در دوره حاضر تعارض میان شغل و فرزند بیشتر رخ می‌نماید. بنابر گزارشی از وضعیت خانواده در کانادا با تولد نخستین فرزند، معضلی مهم در این خانواده‌ها رخ می‌دهد. چرا که زن ناچار است میان فرزند و کار رسمی یکی را برگزیند و تمایلی ندارد موقعیت شغلی خود را در خطر قرار دهد. بکر بیان می‌کند تصمیم به فرزنددار شدن برای زنان به معنای از دست دادن درآمد است و همین مسائل اشتیاق به فرزندآوری را در زنان شاغل کاهش می‌دهد.<sup>۵</sup> در خانواده‌های سنتی که زنان خانه‌دار بیشترین وقت خود را صرف امور

۱. آمنه بختیاری، ۱۳۸۸.

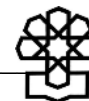
۲. پاتریک نولان و گرهارد لنسکی، به نقل از زیبایی‌نژاد، ۴۵.

۳. شیرین احمدنیا، ۱۳۸۳.

۴. محمدرضا زیبایی‌نژاد، ۲/۱۳۸۸.

۵. محمدرضا زیبایی‌نژاد، ص ۱۳۸۸.





خانواده و تربیت فرزندان می‌کنند تمایل به داشتن فرزند بیشتر از خانواده‌هایی است که در آن زنان شاغل حضور دارند. کم شدن شمار فرزندان علاوه بر کاهش نرخ رشد جمعیت، بدین معناست که والدین برای ایام پیری خود ذخیره‌ای نیاندوخته‌اند و احتمال حمایت فرزندان از والدین با کاهش شمار فرزندان کاهش پیدا خواهد کرد. در ضمن خود این کودکان نیز حمایت‌های خانوادگی کمتری در مقایسه با خانواده‌های با فرزند بیشتر (به‌علت نبود عمه، عمو، خاله و...) دریافت می‌کنند.

در پژوهشی که توسط احمدی‌نیا انجام شده است از بین ۷۱۰ زن شاغل و ۳۵۵ مادر غیرشاغل مورد بررسی، زنان شاغل به‌طور متوسط در سن ۲۳/۹ سالگی و زنان خانه‌دار در سن ۲۰/۵ سالگی برای اولین بار باردار شده بوده‌اند. بدین ترتیب سن اولین بارداری در زنان شاغل بالاتر از غیرشاغلین است.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب اشتغال زنان بر فرزندخواهی و فاصله بین فرزندان تأثیرگذار خواهد بود. کاهش جمعیت کشور و سالخوردگی آن از آسیب‌های این مسئله است.

### ج) تأثیر بر روابط خانوادگی

کار تمام‌وقت زنان از حضور فیزیکی زنان در خانه و ساعات مراقبت از فرزندان خواهد کاست. از دیدگاه بسیاری از روان‌شناسان میان رشد عاطفی فرزند و آغوش مادر به‌ویژه در سه‌سال نخست زندگی پیوندی ناگسستنی وجود دارد، سلامت روانی و عاطفی کودک در گرو حضور فیزیکی در کنار مادر است. بالبی دلبستگی کودک به مادر را زیربنای شخصیت کودکان می‌داند که در صورت فقدان یا نبود این دلبستگی دچار خدشه می‌گردد. هافمن در سال ۱۹۸۴ به بازنگری پژوهش‌های پنجاه‌ساله مربوط اشتغال مادران پرداخته است. ارزیابی هافمن نشان داد که مادران شاغل در مقایسه با مادران خانه‌دار، وقت کمتری را به مراقبت از کودکان خود و بچه‌داری اختصاص می‌دهند. مدت زمانی که مادران شاغل فارغ‌التحصیل از دانشگاه به مراقبت از فرزندانشان اختصاص می‌دهند حدود یک‌سوم مدت زمانی است که یک مادر خانه‌دار صرف این کار می‌کند.<sup>۲</sup> براساس پژوهشی با عنوان «تأثیر اشتغال زنان بر عملکرد رفتاری آموزشی فرزندان» دانش‌آموزانی که مادر شاغل دارند، سازگاری اجتماعی کمتری از خود نشان داده‌اند.<sup>۳</sup>

صاحب‌نظرانی چون آندرز و هافمن برآنند که به‌طور کلی مادران شاغل با واگذاری کودکان به یک محیط گروهی دست‌کم دو نوع آسیب روانی را بر کودکان خود وارد می‌سازند:

۱. شیرین احمدی‌نیا، ۱۳۸۳.

۲. علی‌اصغر احمدی و حسن تقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴.

۳. همان.

۱. بر پایه «فرضیه تک‌مادری» برای اینکه احساس دلبستگی در کودک پدید آید باید صرفاً یک نفر از او مراقبت کند. براساس این، اگر چند نفر از کودک مراقبت کنند در فرآیند دلبستگی او خلل ایجاد شده و دچار اضطراب می‌گردد.

۲. بنابر «فرضیه محرومیت از محرک» مراقبت از کودکان به صورت گروهی سبب می‌شود از توجه، علاقه و انگیزه کافی برخوردار نگردند و در نتیجه ممکن است رشد اجتماعی و شناختی آنان کند شود.<sup>۱</sup>

بر پایه یافته‌های پژوهشی بچه‌هایی که در هفته بیش از ۳۵ ساعت را در مهدکودک می‌گذرانند در مقایسه با آنهایی که ساعات کمتری را دور از خانه هستند رفتار ضداجتماعی بیشتری را نشان می‌دهند. هرچند این کودکان با جرئت‌ترند اما ضداجتماعی‌تر، نگران‌تر و آشفته‌ترند.<sup>۲</sup>

براساس پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناسی نگرش زنان به مادری» در سال ۱۳۸۸ زنان شاغل نگرش مادری ضعیف‌تری را نسبت به زنان خانه‌دار داشته‌اند.<sup>۳</sup>

جدول ۳. رابطه نگرش به مادری با اشتغال زنان

جمع کل	وضعیت اشتغال		نگرش به مادری
	خانه‌دار	شاغل	
۲۴/۵	۲۱/۱	۲۸/۱	ضعیف
۴۴/۳	۴۱/۲	۴۷/۴	متوسط
۳۱/۳	۳۷/۷	۲۴/۵	قوی
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

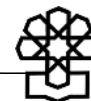
از نظر برخی پژوهشگران، اشتغال زنان به علت کم کردن تأثیر فشار اقتصادی خانواده بر روابط بین زوجین تأثیر مثبت دارد. با این حال بعضی از کارشناسان نیز به بعضی از پیامدهای منفی اشتغال بر روابط زناشویی اشاره کرده‌اند. در خانواده‌هایی که زنان نقش نان‌آوری را به دوش می‌گیرند رقابت زن با شوهر بر وحدت و یکپارچگی خانواده ضربه وارد می‌سازد. هنگامی که اشتغال زنان سبب کاستی‌هایی در ایفای نقش خانگی می‌شود، احتمال بروز تنش در روابط زن و شوهر افزایش می‌یابد.<sup>۴</sup> تونی گرنت معتقد است، احترامی را که زنان در گذشته برای همسرانشان

۱. آمنه بختیاری، اشتغال زنان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵.

۲. همان.

۳. طاهری تالش، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸.

۴. محمدرضا زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵۹.



قائل بودند اکنون به افرادی انتقال داده‌اند که از لحاظ حرفه‌ای در بازار کار مورد تحسین می‌باشند.<sup>۱</sup> کاهش ارتباطات کلامی نیز از پیامدهای اشتغال تمام‌وقت زنان است. براساس نظر رئیس انجمن علمی آسیب اجتماعی ۸۰ درصد زوج‌های ایرانی روزانه فقط نیم ساعت با هم گفتگو می‌کنند.<sup>۲</sup> بنابراین کارکرد ایجاد آرامش روانی در محیط خانواده با افزایش اشتغال تمام‌وقت زنان کاهش می‌یابد.

مطالب بالا نشان می‌دهد اشتغال زنان علاوه بر نکات مثبتی که بر اقتصاد خانواده، شخصیت و روحیه خود زن دارد، همراه با آسیب‌هایی به نهاد خانواده و حتی خود زنان است که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اجتماعی نمی‌توانند بی‌توجه از کنار آنان رد شود.

به‌علت وجود چنین آسیب‌هایی بر نهاد خانواده است که در دین اسلام سیاست‌های تشویقی در زمینه اشتغال زنان به‌طور مطلق جایگاهی ندارد. نظام اسلامی در زمینه برنامه‌ریزی خود در رابطه با اشتغال زنان موظف است به‌منظور کاهش آسیب‌های اشتغال زنان بر نهاد خانواده با اعمال سیاست‌های حمایتی از شدت این آسیب‌ها بکاهد چرا که اشتغال زنان صرف‌نظر از مسائل اقتصادی با توجه به جایگاه اجتماعی زنان و لزوم حضور آنان در این عرصه امروزه امری اجتناب‌ناپذیر است.

### زنان خانه‌دار، عنصر غایب در سیاستگذاری‌ها

با آنکه خانه‌داری در شریعت اسلام نقشی منحصرأً زنانه نیست، فرهنگ دینی ناظر به ارزشگذاری بر روی آن است. در روایات پرشماری خانه‌داری زنان در مقام ارزشگذاری هم پایه وظایف مهم مردان چون جهاد در راه خدا در نظر گرفته شده است.<sup>۳</sup> تربیت و مراقبت از کودکان و همسر داری از سایر وظایف زن خانه‌دار است. زنان، به‌علت قدرت عاطفی بیشتر، توان مغزی در انجام کارهای چندسویه در آن واحد که متناسب با نیازهای همزمان طفل در فاصله‌های زمانی کوتاه است، صبر بیشتر و نیازمندی بیشتر کودکان به آنها، مناسب‌ترین فرد برای تربیت کودکان هستند.

با وجود نگاه خاص اسلام به فعالیت‌های خانه‌داری، آنچه در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه شده، مورد تأکید قرار گرفته و از همه مهمتر ارزشگذاری شده موضوع اشتغال زنان است. زنان خانه‌دار عنصر غایب در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هستند. نقش مؤثر

۱. همان.

۲. خیرگزاری فارس، ۱۳۸۴/۳/۱.

۳. فریبا علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸.

این زنان در فرآیند توسعه و رفاه عمومی نادیده گرفته می‌شود، قوانین خاصی جهت حمایت از آنان به خصوص قوانین بیمه‌ای تدوین نشده است، در رسانه و نظام آموزشی نقش آنان بی‌ارزش، بی‌تأثیر و کم‌اهمیت نشان داده می‌شود. در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشت زنان از انجام وظایف خانه‌داری احساس رضایت داشته باشند و نقش خود را در خانه مفید تلقی کنند؟

کم توجهی و القای بی‌ارزش بودن کار خانه‌داری این احساس را در زنان ایجاد می‌کند که آنان سربار اقتصادی هستند و به هیچ وجه نمی‌توانند دارای بازده اقتصادی برای جامعه و خانواده باشند. همان‌طور که گفته شد در محاسبه تولید ناخالص داخلی نقش زنان خانه‌دار در فرآیند اقتصادی نادیده گرفته می‌شود. در جامعه ما هیچ‌گاه به کار زن در خانه به‌عنوان یکی از منابع کاهش هزینه‌های چرخه اقتصادی خانواده ارزش داده نمی‌شود. از نظر ظاهری کار کردن مردان در محیط خارج از خانه و درآمدزایی آنان به‌صورت پول نمود بیشتری از کار زنان در خانه دارد و زنان خانه‌دار در حقیقت مصرف‌کننده محسوب می‌شوند. درحالی که با یک حساب ساده می‌توان به آسانی درآمدزایی زنان خانه‌دار را برآورد کرد.

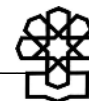
چنانچه زنان خانه‌دار به‌دلایل متعدد کار خانه‌داری خود را انجام ندهند خانواده ناگزیر خواهد بود با پرداخت مبالغی از درآمد خانواده فردی را برای انجام این امور به استخدام درآورد. کار زنان با تهیه غذا، پوشاک، فراهم آوردن آسایش عاطفی و خانوادگی شرط لازم تمامی فعالیت‌هایی است که تولید ارزش اضافه می‌کند و درواقع زنان چرخه زندگی و نظام اقتصادی را به گردش در می‌آورند.<sup>۱</sup>

وجود نگاه منفی در جامعه به ارزش کار خانه‌داری سبب شده بسیاری از زنان خانه‌دار فعالیت خانه‌داری را کم‌ارزش تلقی کنند. در پژوهشی که نسرین جزنی در سال ۱۳۸۵ با عنوان ارزش کار خانگی زن انجام داده، زنان مورد تحقیق معتقدند، میزان نگرش به ارزش کار خانگی در جامعه ۳۲ درصد، میزان قدردانی جامعه از زحمات زن خانه‌دار ۳۲/۵ درصد، میزان ارزش قائل شدن جامعه به زن شاغل ۲۸ درصد، میزان اهمیت کار خانگی در رشد و توسعه اقتصاد کشور ۲۶/۵ درصد است.<sup>۲</sup> بدین ترتیب خود زنان خانه‌دار نیز معتقدند در جامعه نگاه مثبتی به خانه‌داری وجود ندارد. در پژوهش «تبیین جامعه‌شناختی نگرش زنان به خانه‌داری (با تأکید بر شهر تهران)» در سال ۱۳۸۵ اکثریت پاسخگویان معتقدند کار خانگی به‌علت دائمی بودن و حجم زیاد آن خسته‌کننده است.<sup>۳</sup> براساس گفته دکتر صفاری‌نیا رئیس انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران، افسردگی در میان زنان خانه‌دار درحال افزایش است. احساس تنهایی، ترک خانه توسط فرزندان، کار بدون دستمزد،

۱. منوچهر توسلی نائینی، ۱۳۸۵.

۲. نسرین جزنی، ۱۳۸۳.

۳. اعظم بدری‌منش، ۱۳۸۵.



فقر اقتصادی، بها ندادن به ارزش اقتصادی و اجتماعی کار خانگی در جامعه، قدرناشناسی نسبت به تلاش زنان خانه‌دار، نداشتن مشارکت اجتماعی، کمبود مراکز تفریحی، بالا بودن هزینه‌ها جهت تفریح و پر کردن اوقات فراغت از جمله علل بروز افسردگی در میان زنان خانه‌دار است.<sup>۱</sup>

دکتر انور صمدی‌راد سن افسردگی زنان خانه‌دار را معمولاً از سن ۳۷ سالگی به بعد بر می‌شمارد. به گفته وی مشکلات اقتصادی و اجتماعی فعلی جامعه بر افزایش افسردگی زنان خانه‌دار تأثیرگذار بوده زیرا مردان به‌منظور تأمین نیازهای اقتصادی خانواده اکثراً دو یا حتی چند شغله هستند. در نتیجه حضور کم‌رنگ آنان در کنار اعضای خانواده سبب افسردگی زنان می‌شود.

عدم نگاه کلان برنامه‌ریزان به لزوم تفریح و سلامت زنان خانه‌دار سبب شده این زنان از کمترین مزیت‌های اجتماعی برخوردار شوند. بیمه زنان خانه‌دار که در سال ۱۳۸۵ به تصویب هیئت وزیران رسید هیچ‌وقت اجرایی نگشت. هم‌اکنون زنان خانه‌دار در قالب بیمه «حرف و مشاغل آزاد» از حمایت بیمه‌ای برخوردار هستند. از آنجا که زنان خانه‌دار دارای درآمد مستقلی نیستند، بسیاری از آنها توانایی پرداخت هزینه این بیمه‌نامه را ندارند.

عدم وجود نگاه مثبت جامعه به ارزشمندی فعالیت خانهداری و در نظر نگرفتن هیچ‌گونه حمایت و مزیت اجتماعی سبب می‌شود زن خانه‌دار دچار یک نوع خلأ و بی‌هویتی گردد.

جالب اینجاست که این بی‌توجهی تا حدی است که تحقیق و پژوهشی خاصی در رابطه با مسائل و چالش‌های زنان خانه‌دار صورت نگرفته است.

به‌عبارت دیگر زنان خانه‌دار با وجود تمامی شعارهایی که در جامعه ما نسبت به ارزشمندی فعالیت آنان در جامعه داده می‌شود، در نگاه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران مغفول مانده و مورد بی‌مهری واقع شده‌اند.

## راهکارهای پیش روی دولت جهت تکریم زنان خانه‌دار

### الف) ارزشگذاری مادی

#### ۱. پرداخت دستمزد ماهیانه از طرف دولت

یکی از راهکارهای مطرح شده جهت تکریم زنان خانه‌دار پرداخت دستمزد ماهیانه به زنان خانه‌دار از سوی دولت است. لازمه اجرای چنین طرحی وجود بودجه کافی در دولت است. براساس پژوهشی که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «ارزش کار خانگی زنان» انجام شده اکثریت نمونه تحقیق (۵۸/۲ درصد) معتقدند که با پرداخت دستمزد نمی‌توان ارزش کار خانگی را محاسبه کرد، ۱۲ درصد معتقدند تا حدودی می‌توان ارزش کار خانگی را محاسبه کرد و تنها ۲۸ درصد زنان موافق پرداخت دستمزد در ازای کار خانگی هستند.<sup>۱</sup>

در پژوهش دیگری با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی نگرش زنان به خانه‌داری (با تأکید بر شهر تهران)» ۱۸ نفر از زنان مورد مصاحبه اعلام کرده‌اند که خواهان پرداخت دستمزد در ازای کار خانگی نیستند. تنها دو نفر از افراد مورد مصاحبه بیان کرده‌اند، در صورتی که دستمزد از سوی دولت و به صورت منظم باشد با این کار موافقت می‌کنند. اکثریت مخالفان معتقدند برای دریافت دستمزد کار نمی‌کنند و در نتیجه تحقق این موضوع، روابط مالی و مادی بر روابط عاطفی خانواده سایه می‌افکند. آنها معتقدند در این صورت هیچ تفاوتی با خدمتکار خانگی نخواهند داشت، درحالی که فعالیت خانه‌داری از روی عشق به خانواده است نه چشمداشت مالی.<sup>۲</sup>

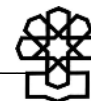
بنابراین این پیشنهاد از آنجا که خود زنان تمایلی به آن ندارند و همچنین به علت نبود بودجه کافی در دولت برای این کار مناسب به نظر نمی‌رسد.

#### ۲. محاسبه شاخص تولید ناخالص کار خانگی (GHP)

همان‌طور که ذکر شد نقش فعالیت خانگی زنان در تولید ثروت در جامعه بسیار حائز اهمیت است. درحال حاضر فعالیت زنان خانه‌دار در تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه محاسبه نمی‌شود. این امر این تلقی را ایجاد می‌کند که زنان نمی‌توانند در توسعه کشور نقشی ایفا کنند. محاسبه این فعالیت‌ها در کنار شاخص‌های رسمی از جمله GNP و GDP تحت عنوان GHP (تولید ناخالص خانگی) علاوه بر محاسبه نقش زنان خانه‌دار در درآمد سرانه و توسعه اقتصادی، سبب می‌گردد جامعه و خود زنان نیز فعالیت خانگی را با ارزش بدانند. به عبارت دیگر این امر می‌تواند در نگرش آحاد جامعه نسبت به فعالیت‌های خانگی تغییر ایجاد کند.

۱. نسرين جزینی، ۱۳۸۳.

۲. اعظم بدری‌منش، ۱۳۸۵.



### ۳. توانمندسازی زنان خانه‌دار از طریق بیمه زنان خانه‌دار

فقدان امنیت اجتماعی و اقتصادی و نداشتن آینده‌ای امن برای زنان خانه‌دار در هنگام بروز حوادث محتمل و قطعی نظیر ازکارافتادگی، بیوه‌گی، طلاق، بیماری، سالخوردگی، رهاشدگی از جمله مسائلی هستند که سبب ضروری بودن بیمه زنان خانه‌دار می‌گردند. طرح بیمه زنان خانه‌دار از سال ۱۳۸۱ به صورت آزمایشی در ۶ استان از جانب سازمان بهزیستی به اجرا درآمد، اما در عمل راه به جایی نبرد. براساس این طرح زنان خانه‌دار با سرمایه‌گذاری پنج‌ساله این امکان را می‌یافتند که تا پایان عمر مستمری دریافت کنند. زنان خانه‌دار با سپرده‌گذاری ماهیانه ۵ هزار تومان در بانک، پس از ۵ سال از مستمری ماهیانه حداقل ۱۲ هزار تومان بهره‌مند می‌شدند. در مدت این ۵ سال دولت نیز موظف بود هر ماه ۵ هزار تومان به حساب بیمه‌شدگان واریز کند. این طرح به دلیل بار مالی که به دولت تحمیل می‌کرد در حال حاضر متوقف شده است.<sup>۱</sup> هم‌اکنون در ایران، برای زنان خانه‌دار تحت عنوان «بیمه حرف و مشاغل آزاد» قابلیت بیمه وجود دارد. سازمان تأمین اجتماعی نرخ‌های پرداختی حق بیمه را ۱۴، ۱۶ و ۲۰ درصد اعلام کرده که دو درصد آن سهم دولت است. سن قانونی برای بیمه شدن زنان خانه‌دار در حال حاضر حداکثر ۴۵ سال در نظر گرفته شده است. در صورت بالا بودن سن زنان متقاضی از شرط سنی یاد شده، برای استفاده از مزایای بیمه‌های اجتماعی همچون بازنشستگی، فوت و غیره باید این زنان دو برابر مازاد سن خود، سابقه پرداخت بیمه داشته باشند. نرخ حق بیمه انتخابی ۱۴ درصد شامل مزایای بازنشستگی و فوت پس از بازنشستگی می‌شود. نرخ ۱۶ درصد مزایای بازنشستگی، فوت قبل و پس از بازنشستگی را دربر می‌گیرد و نرخ ۲۰ درصد شامل تعهدات بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی می‌شود. علاوه بر این متقاضیان می‌توانند با پرداخت حق بیمه ۶۳ هزار و ۴۱۶ ریال در هر ماه دفترچه درمان دریافت نمایند. زنان خانه‌دار در هنگام مراجعه به بیمه تأمین اجتماعی باید درآمد خود را که روزانه بین حداقل ۷۳۲۰ تومان تا حداکثر ۵۱ هزار و ۲۴۰ تومان در نظر گرفته شده است تعیین کنند، تا براساس این بتوان میزان نرخ پرداختی حق بیمه را برای آنها محاسبه کرد. با در نظر گرفتن حداقل درآمد، این میزان ۲۱۶۹۰۰ ریال در ماه می‌شود. این درآمد با نرخ ۱۴ درصد بیمه معادل ۳۰۳۶۶ تومان می‌گردد که دولت فقط ۶۰۷ تومان (۲ درصد) آن را پرداخت می‌کند! بنابراین اکثر حق بیمه را خود زن خانه‌دار باید پرداخت کند. با توجه به اینکه زن خانه‌دار درآمد مستقلی برای خود ندارد طبیعی است که استقبال از این طرح زیاد نباشد.

بدین ترتیب دولت باید راه جدیدی را برای حمایت از زنان خانه‌دار اتخاذ کند. برای آنکه

ارزشمندی خانه‌داری فقط در حکم شعار باقی نماند باید حمایت از زنان خانه‌دار در اولویت برنامه‌های دولت قرار گیرد. تمامی طرح‌های مربوط به ارزشگذاری مادی طرح به‌علت نبود بودجه کافی در دولت با شکست روبرو می‌گردد. دولت موظف است با در اولویت قرار دادن طرح‌های مربوط به تکريم زنان خانه‌دار نشان دهد توجه به نقش و جایگاه زنان در مقام شعار نیست و این زنان به‌خاطر نقش مهمی که در خانواده و جامعه ایفا می‌کنند، ارزش سرمایه‌گذاری دولت را دارا می‌باشند.

### ب) ارزشگذاری معنوی کار خانگی زنان

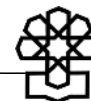
بسترسازی فرهنگی جهت ارج نهادن فعالیت خانه‌داری نیز از جمله اقداماتی است که دولت جهت تکريم زنان خانه‌دار می‌تواند انجام دهد. کار خانگی کاری بی‌ارزش، بی‌اهمیت و آسان نیست. این فعالیت نیز همانند بسیاری از فعالیت دیگر نیازمند مهارت، حوصله، دقت و آموزش‌های لازم است. تربیت فرزند، همسراری و مدیریت خانه کم از ایفای وظایف در عرصه عمومی ندارند. نباید «تدبیر منزل» را کم از «تدبیر مدن» دانست.<sup>۱</sup> بسترسازی فرهنگی مهمترین راه ارزشگذاری معنوی فعالیت‌های خانگی است. رسانه ملی و نظام آموزشی کشور نقش مهمی در این راستا دارند.

رسانه‌های تصویری با نادیده گرفتن زنان خانه‌دار و ترسیم زن شاغل به‌عنوان زن مطلوب و موفق، تحقیر فعالیت‌های خانه‌داری به‌عنوان اموری بی‌ارزش و بی‌اهمیت، ترسیم زنان خانه‌دار به‌عنوان زنانی بی‌دست و پا و تحصیل نکرده نقش مهمی در کم‌ارزش شدن فعالیت‌های خانه‌داری دارند.

نگاهی اجمالی به برنامه‌های درسی نیز نشان می‌دهد فعالیت خانگی، همسراری و تربیت فرزندان در نظام آموزشی کنونی ما اموری کم‌اهمیت تلقی می‌شوند که نیازمند هیچ واحد درسی و یادگیری مهارت خاصی نیستند. آنچه ارزشمند و نیازمند یادگیری مهارت تلقی می‌شود حضور در اجتماع و مشاغل اجتماعی است.

اصلاح این نگاه فرهنگی می‌تواند در نگرش جامعه و حتی خود زنان به فعالیت‌های خانه‌داری تغییر ایجاد کند. با ارزش شمردن خانه‌داری در سطح جامعه سبب می‌شود زن خانه‌دار دچار احساس پوچی و بی‌هویتی نگردد چون خواهد دید جامعه فعالیت‌های او را به همان میزان فعالیت صورت گرفته از سوی زن شاغل و حتی بیشتر ارج می‌نهد. هرچند زنان خانه‌دار معتقدند تلاش آنان در خانه به هیچ وجه قابل جبران نیست، اما قدردانی مردان و خانواده آنها تا حدود زیادی از خستگی آنان خواهد کاست.





یکی از راهبردهای مهم در حوزه خانواده کوشش برای انعطاف‌پذیرتر کردن تفکیک جنسیتی نقش‌ها در قالب مشارکت و همراهی بیشتر مردان در فعالیت‌های خانگی است. الگویی که در سیره پیامبر اکرم و امامان معصوم نیز دیده می‌شود. درباره حالات رسول خدا گفته‌اند آن حضرت به دوشیدن بز خانه می‌پرداخت و در روایتی آمده است: «علی (ع) به تهیه هیزم، آوردن هیزم، آوردن آب و جارو کردن، و فاطمه (س) به تهیه آرد و خمیر کردن و پختن نان می‌پرداخت» این درحالی است که در رسانه‌ها کمک مردان به زنان در فعالیت‌های خانگی به معنای کم‌اقتداری مرد و امری منفی جلوه داده شده است. مشارکت مردان در انجام فعالیت‌های خانگی نقش مهمی در ایجاد احساس مثبت به فعالیت خانه‌داری در زنان خواهد شد.

زنان خانه‌دار نقش مهمی در مدیریت اقتصاد خانواده می‌توانند داشته باشند. آموزش مهارت‌های مدیریت بهتر خانواده از قبیل آموزش روش‌های تخصیص بودجه خانواده و مدیریت مصرف، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی مثل آموزش توانایی حل مسئله و رویارویی با مشکلات، روش‌های همکاری زنان خانه‌دار با انجمن اولیا و مربیان مدارس نقش مهمی بهبود احساس زنان خانه‌دار به فعالیت خود خواهد داشت، زیرا این زنان نیز احساس می‌کنند می‌توانند نقش مهمی در بهبود اقتصاد خانواده خود و جامعه و حل مسائل خانواده خواهند داشت.

مسئله دیگری که در اینجا باید به آن توجه شود مسئله اوقات فراغت زنان خانه‌دار است. زن خانه‌دار بیشتر از سایر اعضای خانواده با اوقات روبرو است که کار مشخصی در آن ساعات ندارد. عدم استفاده بهینه از این ساعات می‌تواند زن خانه‌دار را در معرض افسردگی قرار دهد. هم‌اکنون شهرداری‌ها در قالب «خانه‌های سلامت» کلاس‌های آموزشی و تفریحی برای این زنان تدارک دیده‌اند. گسترش هر چه بیشتر این کلاس‌ها می‌تواند علاوه بر پر کردن اوقات فراغت زنان خانه‌دار و آموزش مهارت‌های مختلف به آنها در نگرش مثبت زنان بر حضور در خانه و خانه‌داری تأثیرگذار باشد. دولت موظف است علاوه بر حمایت از سلامت جسمانی این زنان جهت حمایت از سلامت روانی این زنان نیز برنامه‌ریزی نماید.

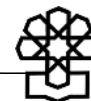
### نتیجه‌گیری

سیاست‌های دولت‌ها در رابطه با موضوع اشتغال زنان و یا خانه‌داری را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

- سیاست‌های تشویقی
- سیاست‌های حمایتی

منظور از سیاست‌های تشویقی، سیاست‌هایی است که در آن دولت‌ها با استفاده از راهکار «تبعیض مثبت» و اختصاص امکانات و تسهیلات به گروه هدفی که برای آن سیاستگذاری می‌شود (زنان شاغل یا خانه‌دار) به تشویق زنان جهت روی آوردن به خانه‌داری یا اشتغال می‌پردازند. درحالی که در سیاست‌های حمایتی، دولت‌ها تنها تلاش می‌کنند تا با استفاده از تصویب قوانین مختلف مشکلات پیش‌روی اشتغال زنان یا خانه‌داری آنها را رفع کنند.

امروزه بسیاری از دولت‌ها افزایش حضور زنان در عرصه عمومی را در اولویت‌های برنامه‌ریزی‌های خود قرار داده‌اند و با استفاده از سیاست‌های تشویقی و حمایتی مختلف، سعی در افزایش آمار اشتغال زنان دارند. بررسی سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد، نظام به چنین رویکردی روی آورده است. این در حالی است که در نظام جمهوری اسلامی ایران، به علت اهمیت خانواده، نظام موظف است از یک‌سو بر فعالیت‌هایی که دین برای زنان ارزشمند می‌داند (خانه‌داری و مادری) در سیاستگذاری‌های خود تأکید کند و از سوی دیگر به علت اجتناب‌ناپذیر بودن اشتغال زنان و تصدی‌های اجتماعی، قوانینی را در راستای حل تعارض اشتغال و مسئولیت‌های خانگی زنان وضع کند مثل کار نیمه‌وقت بانوان، حمایت از مشاغل خانگی، انعطاف‌پذیر کردن ساعات کار بانوان شاغل، تا خانواده کمترین آسیب را از اشتغال زنان متحمل شود. آنچه باید مورد تشویق و حمایت دولت و قانونگذار قرار گیرد فراهم کردن فرصت‌های اشتغال برای سرپرستان خانواده است. به عبارت دیگر اشتغال زنان در مواردی که آنان سرپرستان خانوار هستند باید در سیاست‌های تشویقی لحاظ شود نه اشتغال همه زنان. براساس آنچه از آموزه‌های اسلامی برمی‌آید اولویت ارزشی نظام اسلامی مسئله خانه‌داری زنان است. در پاره‌ای از روایات، خانه‌داری زن هم پایه و وظایف مهم مردان چون جهاد در راه خدا در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب آنچه در نظام اسلامی باید مورد تشویق قرار گرفته و با ارزش تلقی شود فعالیت‌های خانه‌داری است. هرچه سیاستگذاری، قوانین، واحدهای آموزشی و رسانه‌ها (به‌عنوان نهادهای شکل‌دهنده به نگرش افراد) به این مسئله توجه بیشتری نشان دهند مسلماً در نگرش آحاد جامعه و به خصوص زنان تأثیرگذار خواهد بود. بررسی سیاست‌ها و قوانین تصویب شده در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد آنچه در آنها مورد تأکید قرار گرفته و با ارزش شناخته شده است اشتغال زنان است نه خانه‌داری. به عبارت دیگر در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های تشویقی و حمایتی متعددی جهت اشتغال زنان وضع شده که به نظر می‌رسد برخی از این سیاست‌های تشویقی با الگوی خانواده‌محور اسلام در تعارض است. بسیاری از این سیاست‌ها در رابطه با مشاغلی به کار رفته که تطبیق آنها با مسئولیت‌های خانگی بسیار دشوار است، مثل مشاغل مدیریتی. در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های نظام، آنچه الگوی مطلوب جامعه شناخته شده، اشتغال زنان



است. نگاهی به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد در بسیاری از آنها (بجز برنامه پنجم)، شاخص توسعه کشور در حوزه زنان، اشتغال آنهاست. در نظام آموزشی و رسانه‌های کشور الگوی مطلوب جامعه، اشتغال زنان است.

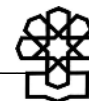
به عبارت دیگر به جای آنکه سیاست‌های تشویقی و حمایتی در مورد خانه‌داری به‌کار رود در مورد اشتغال زنان به‌کار رفته که نتیجه آن افزایش اشتغال زنان و به تبع آن افزایش آسیب‌های جسمی و روانی بر سلامت زنان، کاهش نرخ باروری و تعارضات خانوادگی است. از سوی دیگر به علت نادیده گرفته شدن زنان خانه‌دار در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها، این فعالیت نزد خود زنان نیز بی‌ارزش و بی‌اهمیت تلقی شده است. نتیجه چنین شرایطی افزایش نارضایتی از نقش در زنان خانه‌دار و به تبع آن ایجاد افسردگی در آنهاست. این در حالی است که همان‌طور که ذکر شد زنان خانه‌دار در تولید ثروت نقش بسیار مهمی دارند. براساس گفته گیدنز در کشورهای صنعتی ارزش کار خانگی تقریباً معادل ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت ایجاد شده است. بنابراین حمایت از آنها از وظایف مهم نظام تلقی می‌شود، وظیفه‌ای که تاکنون تحقق نیافته است.

ایجاد بیمه حمایت‌گر از زنان خانه‌دار، محاسبه فعالیت‌های خانگی در شاخص‌های اقتصادی، از راهکارهایی است که دولت می‌تواند جهت ارزشگذاری مادی کار خانگی انجام دهد. توجه به نقش، اهمیت و جایگاه زنان خانه‌دار در رسانه‌ها و نظام آموزشی و توجه به مسئله اوقات فراغت زنان خانه‌دار نیز از راهکارهای معنوی است که در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید لحاظ شود.

## منابع و مآخذ

۱. احمدنیا، شیرین. اثرات اشتغال بر سلامت زنان، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۱۲.
۲. احمدی، علی‌اصغر و سیدحسن تقوی. تأثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری آموزشی فرزندان، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، ش ۵، بهار ۱۳۸۲.
۳. آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری. تبیین نگرش نسلی به زن، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، بهار ۱۳۸۱، دوره ۱، ش ۳.
۴. آزاد ارمکی، تقی. بررسی موقعیت زن در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، زن و رسانه‌ها، تهران، دفتر امور زنان ریاست‌جمهوری، ۱۳۷۴.
۵. اعزازی، شهلا. روند نمایش خانواده در تلویزیون، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال ۱۴، ش ۵۲، زمستان ۱۳۸۶.
۶. اعزازی، شهلا. تحلیل ساختاری جنسیت، نگرش بر تحلیل جنسیتی در ایران، گردآوری و تنظیم: نسرين جزنی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
۷. باجلان، اکرم. بررسی راهکارهای افزایش تعداد زنان در پارلمان و امکان استفاده از این روش در ایران، دفتر فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

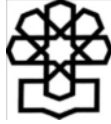
۸. باستانی، سوسن. توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات زنان، سال دوم، ش ۴، بهار ۱۳۸۳.
۹. باستانی، سوسن. جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۷.
۱۰. بختیاری، آمنه. تأثیر اشتغال زنان بر خانواده (با تأکید بر فرزندان) در «اشتغال زنان» مجموعه مقالات و گفتگوها، به کوشش لیلاسادات زعفرانچی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸.
۱۱. بدری‌منش، اعظم. تبیین جامعه‌شناختی نگرش زنان به خانه‌داری (با تأکید بر شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. بستان (نجفی)، حسین. نقش جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی، در هویت و نقش جنسیتی مجموعه مقالات، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۱۳. توسلی‌نائینی، منوچهر. نگاهی حقوقی بر خانه‌داری یا اشتغال خانگی زنان در ایران، همایش بین‌المللی نقش زن در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
۱۴. جزئی، نسرین. ارزش کار خانگی زن، کارفرما: مرکز امور مشارکت زنان، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۳.
۱۵. راووداد، اعظم. تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون، پژوهش زنان، دوره ۱، ش ۱، پاییز ۱۳۸۰.
۱۶. رجبی، شهناز. بررسی قوانین و مقررات مربوط به اشتغال زنان، دفتر فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۷. رستگارخالد، امیر. اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال سیزدهم، ش ۱۹، آبان ۱۳۸۵.
۱۸. زعفرانچی، لیلاسادات. زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه، فصلنامه علمی - پژوهشی شورای اجتماعی فرهنگی زنان، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳، پاییز ۱۳۸۵.
۱۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا /۱/. اشتغال زنان، عوامل و پیامدها و رویکردها (از نگاه مدیریتی) در «اشتغال زنان»، مجموعه مقالات و گفتگوها، به کوشش لیلاسادات زعفرانچی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸.
۲۰. زیبایی‌نژاد، محمدرضا /۲/. آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده در اسلام، در آسیب‌شناسی خانواده (مجموعه مقالات) به کوشش جعفر حق‌شناس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان به سفارش مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸.
۲۱. سیاست اهداف و اصول تنظیم خانواده و تحکیم و حمایت از آن.
۲۲. سیاست اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
۲۳. سیاست ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی، ۱۳۸۴.
۲۴. صادقی‌فسائی، سهیلا و شیوا کریمی. کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی (سال ۱۳۸۳) پژوهش زنان دوره ۳، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴.
۲۵. قانون ضوابط انتخاب، انتصاب و تغییر مدیران.
۲۶. طاهری، تالش. تبیین جامعه‌شناسی نگرش زنان به مادری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات، ۱۳۸۸.
۲۷. علاسوند، فریبا. نقش جنسیتی، در هویت و نقش‌های جنسیتی مجموعه مقالات، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۲۸. فرنود، احمد. نقش اجتماعی زن، مدیر واحد اطلاعات و برنامه‌ریزی مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، برگرفته از کتاب زن و رسانه‌ها، ۱۳۷۴.



۲۹. فروتن، یعقوب. بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۹، ش ۲، تابستان ۱۳۹۰.
۳۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳۱. قانون اصلاح موادی از قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان، ۱۳۶۷.
۳۲. کاظمی‌پور، شهلا. تحلیلی بر فرصت‌های اشتغال زنان سرپرست خانوار. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌زایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، ۱۳۸۸.
۳۳. گاردنر، ویلیام. جنگ علیه خانواده. ترجمه معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ۱۳۸۶.
۳۴. تصدیقی، بهروز. جنسیت و توسعه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۵. میرجلیلی، فاطمه. گزارش درباره نقش زنان خانه‌دار در اقتصاد و تولید ناخالص داخلی کشور GDP. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۶. نوین، زهرا و مریم جهندی. سیمای زن در مجموعه‌های تلویزیونی داخلی، طرح اداره کل مطالعات رسانه و ارتباطات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
۳۷. یزدخواستی، بهجت و احمدی وکیل. بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵. مجله علمی - پژوهشی مطالعات زنان، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۶.

38. [www.salamatjoo.ir](http://www.salamatjoo.ir)

39. [www2.sso.ir](http://www2.sso.ir)



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۶۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه زنان و خانواده)

تهیه و تدوین: آسیه ارحامی

ناظر علمی: وحید یامین‌پور

همکار: نرگس صادقی‌پور

متقاضی: نورالله حیدری دستنایی (نماینده اردل، فارسان، کیار و کوه‌رنگ)

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. زنان

۲. اشتغال

۳. خانه‌داری

۴. سیاست جمهوری اسلامی ایران

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۵